

# مذکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۲۸ مهر ماه ۱۳۲۱

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - تقدیم و شور لایحه فوری انتشار پانصد میلیون ریال اسکناس
- ۳ - تقدیم یک فقره لایحه از طرف آقای وزیر فرهنگ
- ۴ - بقیه شور و تصویب لایحه نشر اسکناس
- ۵ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس نیدمساعت بعد از ظهر بریاست آقای اسفندیازی تشکیل گردید

صورت مجلس شنبه ۲۵ مهر ماه را آقای (طوسی) منشی قرائت نمودند

\*\*\*

## ۲ - تقدیم و شور لایحه انتشار پانصد میلیون ریال اسکناس

رئیس - آقای وزیر دارائی .  
وزیر دارائی ( آقای کاظمی ) - دهفته گذشته از طرف هیئت دولت لایحه تقدیم شد راجع به اجازه انتشار اسکناس و آن لایحه به کمیسیون مربوطه رجوع شد و الآن در آن کمیسیون ها مطرح مذاکره است البته بعد از آنکه مذاکره ایشان تمام شد بعرض مجلس خواهند رسانید ولی فعلا برای دولت يك احتیاجات فوری است راجع به خواربار و

## ۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - آقای فیاض .  
فیاض - در مرخصی بنده راجع به تاریخش يك اشتباه عبارتی شده است که انتهای مرخصی را ابتدای مرخصی حساب کرده اند یعنی تا ۲۱ شهریور باید بنویسند نوشته شده از ۲۱ شهریور لذا بنده لازم دانستم این را تذکر دهم که اصلاح شود .  
رئیس - اصلاح میشود . در صورت مجلس نظری نیست ( گفته شد - خیر ) صورت مجلس تصویب شد .

(مطابق قانون ۸ آذر ماه ۳۰۵)

عین مذاکرات مشروح نود و هشتمین جلسه از سیزدهمین دوره قانون گذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

\*\*\*

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین با اجازه - آقایان : روحی - فاطمی .  
غائبین بی اجازه - آقایان : تولیت - دکتر ضیاء - نوبخت - اورنگ - امیر ابراهیمی - دبستانی - آصف - صادق وزیری - مستشار - کامل ماگو - بوداغبان .

نظر باینکه اعتباری برای تهیه خواربار در خزانه نیست این را نمیشود بتأخیر انداخت و البته آقایان اطلاع دارند که این یک چیزی نیست که بشود به کمیسیون مراجعه کرد و تأخیر جایز نیست بنا بر این امروز یک لایحه تقدیم میشود بقید دو فوریت راجع باین که اجازه فرمایند که پانصد میلیون ریال برای این منظور اجازه انتشار اسکناس داده شود و لایحه دیگری هم تقدیم خواهد شد از طرف آقای وزیر خواربار راجع به اجازه اعتباری که داده میشود برای این قسمت .

**رئیس** - لایحه تقدیمی قرائت میشود :  
مجلس شورای ملی .

چون موضوع لایحه قانونی که طی پیشنهاد شماره ۲۵۹۱۰ مورخ ۲۲/۷/۱۳۲۱ تقدیم گردیده فعلاً تحت مطالعه کمیسیون های مربوطه مجلس شورای ملی میباشد و برای تأمین خواربار و احتیاجات عمومی کشور که اهمیت حیاتی دارد اعتبار فوری ضرور است که لایحه آن همین امروز تقدیم میشود دولت لازم میداند اجازه انتشار مبلغ پانصد میلیون ریال اسکناس را بقید دو فوریت تقاضا نماید و توضیحاً بعرض میرساند که اولاً در مقابل انتشار این مبلغ اسکناس مقدار ۲۳۶۱۲۴/۶۵ اونس طلائی که اخیراً از محل موجودی ارزش خریداری شده است ضمیمه پشتوانه اسکناس خواهد گردید و البته هر مقدار جنسی که از محل این اسکناس خریداری شود وقتی که قطعاً بفروش برسد اسکناسی که از فروش بدست می آید بیانگ برگشته و از جریان خارج خواهد شد تا نایباً مبلغ پانصد میلیون ریالی که فعلاً تقاضا میشود جزو همان مبلغی است که ضمن لایحه مذکور در فوق منظور شده و مبلغ جداگانه نیست .  
ماده واحده - بانک ملی مجاز است علاوه بر میزان اسکناس که اجازه انتشار آن تا این تاریخ بموجب قانون داده شده است مبلغ پانصد میلیون ریال اسکناس بجزریان بگذارد .  
اسکناسهای مزبور از حیث پشتوانه مشمول قانون ۲۱ اسفند ۱۳۱۸ خواهد بود و مقدار ۲۳۶۱۲۴/۶۵ اونس طلائی که دولت اخیراً از محل موجودی ارزش خریداری نموده نیز ضمیمه

پشتوانه فلزی اسکناس خواهد بود .

**رئیس** - فوریت اول مطرح است . مخالفی نیست ؟ رأی گرفته میشود بفوریت اول موافقین برخیزند . ( اکثر قیام نمودند ) تصویب شد . فوریت دوم مطرح است . موافقین برخیزند ( اغلب برخاستند ) تصویب شد . ماده واحده مطرح است . آقای امیر تیمور .

**امیر تیمور** - در موقع تقدیم لایحه نشر سی میلیون تومان اسکناس بنده در مجلس بطور اختصار بعرض مجلس و دولت رساندم که برای جلوگیری از این رویه بهتر این است که یک فکر اساسی بشود که با توانائی این مملکت و کشور و این ملت وفق بدهد تا ما هم بتوانیم که آن تهیدی را که دولت میکند انجام دهیم و تعهد دولت بر طبق توانائی کشور باشد که بتواند با متفقین همکاری کند حالا هم آن عرض را دارم و معتقد هستم که تا هنگامی که دولت یک رویه قطعی اتخاذ نکند جمیع شؤون اقتصادی و اجتماعی متشنج و بالاخره کار این مملکت فلج میشود و زندگی برای بسیاری از طبقات مخصوصاً طبقات پائین معسر و سخت خواهد بود بلکه برای یک عده غیر مقدور میشود البته چون حالا در این لایحه متذکر شده اند که این مبلغ بمصرف خواربار میرسد بنده از بحث کلی و اساسی که مربوط بخربداری ارز و تسلیم ریال به متفقین است خودداری می کنم و معتقدم که اگر بخواهد دولت احتیاجات متفقین را در ایران به ریال تأمین کند باید با آنها یک قرار داد صریحی منعقد کند که اولاً قرار دولت متکی بخربد لیره در چهارده تومان نباشد چون لیره کاغذی بعقیده بنده چهارده تومان قیمت ندارد اگر امروز آزاد گذاشته شود و کنترل ارزی برداشته شود و تابع عرضه و تقاضا شود دو تومان بلکه یک تومان بیشتر ارزش نخواهد داشت و شاید هم ترقی کند کسی مانع نیست و این صدی چهل هم که ذکر میشود طلا خریداری شده صدی چهل لیره چهاده تومان است و بدون فروش لیره اگر بحساب ریال بشما طلا بدهند این نهایت آرزوی ما است و یکی از موافقین جدی و اساسی آن بنده هستم و حاضر مدافع این

عقیده در مجلس شورای ملی باشم ولی مخالفت بنده همیشگی بر این است که این تعهد که ما احتیاجات ربالی متفقین را بپردازیم فوق بنیه ما است برای اینکه فکر کنید که ممکن است خدای نکرده این جنگ پنجسال دوام پیدا کند و ممکن است احتیاجات متفقین در مملکت ما به مدهی صد میلیون ، دوست میلیون بالغ شود و با تعهد اینکه ما ربال بپردازیم ممکن است این مبلغ بالغ بر چندین هزار میلیون تومان بشود و فوق قوه و بنیه و توانائی ما است و حقیقاً نباید یک تهیدی را که ما نتوانیم انجام بدهیم از حالا بکنیم و بنده معتقد هستم صد میلیون ، دوست میلیون ، سیصد میلیون اگر هم متضرر میشویم همینطور رایگان بدهیم و زیر بار این تعهد نرویم اما حالا بحث در این موضوع را بنده میبگیرم بوقت دیگر و چون این لایحه مربوط بخربد خواربار است باید عرض کنم که شاید مورد اشکال و تردید متفقین ما هم نباشد که یک قسمت از گرانی زندگی و نبودن خواربار و کمیابی خواربار اولاً بواسطه مصرفی است که قوای آنها در ایران میکنند ثانیاً هم بواسطه این است که جنس از سرحدات مملکت ما لاینقطع خارج شده و خارج میشود و برای خرید جنس هم قوه خرید را خود ما بدست آورده ایم بواسطه همین ربالی که دولت میدهد و برایگان آنچه میخواهند میخرند . چندی قبل یکی از رفقای عزیز بنده در مجلس اظهار داشتند که چه عیب دارد پیازی که خرواری پنج تومان بود حالا خرواری صد و بیست تومان شده است و اسباب خوشوقی است که رعیت هم مشغول کار شده است بعقیده بنده همه عیب کار این جا است که با پول شمله پیاز را خرواری صد و بیست تومان میخرند و بالنتیجه از طبقات فقیر کشور قوه خرید سلب میشود و از گرسنگی میمیرند با پول شما تمام ما بحتاج اولیه زندگی از این مملکت جمع آوری میشود و طبقه فقیر و غیر فقیر نمیتوانند احتیاجاتشان را تهیه کنند و از میان میروند اختلاف من با آن رفیق عزیز سر همین قضیه است و بنده گمان میکنم که فکر ایشان از روی سوء نیت نبوده است ولی باید عرض کنم که این بیان اگر بضرر این مملکت نباشد

به منفعت ما نیست امیدوارم در آتی دیگر در اینجا این نظر تکرار نشود ( صحیح است ) بنده با همه اینها عرض میکنم تمام این بدبختی ها را ما خودمان و بدست خودمان ایجاد می کنیم و مسئول سیاه روزی و بدبختی خودمان خودمان هستیم ما اصلاح کارمان را از هیچکس نباید توقع داشته باشیم و خودمان باید بکنیم ما باید در مسائل حیاتی خودمان بیشتر دقت کرده باشیم و مال کار خودمان را بیشتر مراعات بکنیم و صریح باید عرض کنم که متأسفانه فکر این قسمت ها در دولتهای ما نبوده است و وزرای ما مسئول این سیاه روزی و بدبختی هستند و هر روزی و هر موقعی که بحکمه تشکیل بدهند من حاضرم اثبات کنم که وزرای ایران مستقیماً مسئول سیاه بختی ما هستند پنج ماه قبل بنده مکرر در همین مجلس شورای ملی و در جلسات خصوصی بعرض رفقا و بعرض مجلس رساندم که وضعیت ما عادی نیست ، زمینة خواربار خوب نیست نرخی که دولت برای خرید اجناس خواربار مخصوصاً گندم در نظر گرفته متناسب با باقی اجناس مورد احتیاج زندگی نیست و برای رعیت ضرر کلی است که به این نرخ بیاید جنس خود را تحویل دولت بدهد و یک رعیتی که تمام هستی و عایدات او در سال چهار خوار گندم است که باید دو خروار آنرا بمصرف آذوقه سالیانه اش برساند و دو خروار دیگر را بفروشد و بمصرف سایر احتیاجاتش برساند با این نرخی که شما تعیین میکنید نمیتواند زندگی خود را ادامه دهد و بعقیده بنده نرخی را که شما معلوم کردید باید این نرخ معادله کند با نرخ آزادی که در ممالک همجوار و همسایه های ما هست با نرخ آزادی که در ترکیه هست با نرخ آزادی که در افغانستان و ممالک همجوار هست و باید نرخی برای گندم گذاشته میشد که برای ملت صرف نکند که گندم خودش را بغیر دولت بفروشد و قاچاقچیان نتوانند گندم او را از دست او بگیرند و خارج کنند یکی از رفقای عزیز بنده فرمودند اینطور نیست ولی بنده عرض میکنم که تمام نقاط مملکت ما در یک حکم نیست



البته دولت هر تهمینی بگیرد برای داخله مملکت خودش میتواند اجرا کند فرض کنید در زنجان و قزوین و گلستان و یزد و اصفهان البته تصمیمات دولت انجام میشود و اگر میگفتند قیمت هر خروار گندم پنج تومان باشد بعقیده بنده همان پنج تومان نرخ میشد در صورتیکه میتوانستند جلو گیری کنند که جنس از آن نقاط خارج نشود حتماً صاحبان جنس مجبور میشدند جنس خودشان را بدولت بدهند ولی در سرحدات ما متأسفانه اینطور نیست یا خوشبختانه یا متأسفانه از آستارا تا محمره يك سرحد خاکی ما با قسمت قفقاز و عراق داریم از آنطرف دیگر هم از بندر شاه تا بندر لنگه يك سرحد خاکی دیگر که بالغ بر چندین صد فرسخ است و دولت این قدرت و توانائی را اگر سیصد هزار نفر هم قشون داشته باشد و خط زنجیری تشکیل بدهد ندارد که از خارج شدن جنس جلو گیری کند و خود بخود جنس از سرحد خارج میشود کما اینکه رفت و در آنموقع بعقیده بنده توجه نکردند اگر در پنج ماه پیش همانطور که بنده تذکر دادم و عرض کردم عرض بنده را مورد توجه قرار میدادند نمیگویم عمل میکردند همینقدر فکر میکردند که آیا این مطالب و اظهارات قابل توجه هست یا نیست از بسیاری از مشکلات و بدبختیها جلو گیری میشد من آنروز عرض کردم برای ولایات پنجاه تومان و برای حومه تهران شصت تومان نرخ هر خروار گندم را معلوم کنید و قبل از برداشت محصول این نرخ را اعلان کنید و محصول را باینوسیله تحت نظر بگیرید اطمینان داشته باشید که تمام جنس در مملکت محفوظ میماند و يك دانه هم خارج نمیشد اما متأسفانه کسی گوش نکرد و از آنموقع تا بحال مقدار زیادی جنس بقاچاق از مملکت خارج شده و الآن هم خارج میشود و دولت هم نمیتواند بگوید که جنس خارج نشده و نمیتواند بگوید الآن هم خارج نمیشود چرا؟ چون نرخ را که دولت در نظر گرفت مصنوعی بود و نرخ حقیقی نبود نرخ را که رعیت و زارع بتواند با آن زندگی کند و تعادل زندگی او حفظ شود زندگی ما روی افراط و تفریط است ....

**رئیس** - آقای امیر تیمور صحبت را کوتاه کنید. خارج از موضوع نشوید.

**امیر تیمور** - اجازه بفرمائید. بنده آزاد هستم صحبت کنم و خارج از موضوع هم صحبت نکردم. شما ممکن است بنده را از جلسه خارج کنید ولی نمیتوانید مانع مذاکرات بنده بشوید.

**رئیس** - گفتم در این موضوع صحبت کنید.

**امیر تیمور** - بنده هم در همین موضوع صحبت میکنم.

**رئیس** - خارج از موضوع صحبت میکنید.

**دشمنی** - آقای رئیس مجلس بگذارید صحبت کنند و کیل باید آزاد باشد صحبت کند.

**امیر تیمور** - بنده عرض کردم زندگی ما همیشه روی افراط و تفریط است. بنده عرض کردم باینوسیله ممکن بود از این بدبختی و قحطی جلو گیری کنند و نکردند بنده عرض میکنم میتوانستند کاری کنند که دیگر امروز احتیاج نداشته باشند خرواری صدویست تومان خرید کنند مخصوصاً بنده فراموش نمیکنم موقعی که دولت در چند ماه قبل نرخ معین کرده بود رفیق عزیزم آقای مؤید ثابتی میگفتند و حساب کرده بودند که با این نرخ که دولت معلوم کرده است جنس جمع آوری نمیشود و این نرخ حتی وافی بکرایه آن نخواهد بود بعد که آقای قوام السلطنه آمدند گفتم بروید خدمت ایشان، تشریف بردند و بعد هم که برگشتند اظهار داشتند ممنونم همین که مطلب را بایشان گفتم توجه کردند و مقصود را فهمیدند و امر کردند به اداره خواربار که این امر را رسیدگی کنند متأسفانه وزرای گذشته همین اندازه هم توجه نمیکردند حالاً هم جنس ما يك مقدار زیادش خارج شده و بعقیده بنده باز هم در داخله خودمان زمینه آنطوری که تصور میشود در اغلب نقاط و قطعات شمالی ما خالی نیست ما بقدر قوت لایموت خودمان جنس داریم در صورتیکه اولاً خارج نشود (نخست وزیر - اینطور نیست آقای) و در صورتیکه برای ما ایجاد مشکل نکنند.

**هاشمی** - زمینه خالی است.

**یکنفر از نمایندگان** - خالی نیست.

**امیر تیمور** - خدا بکند ولی بنده قسمت جنوب را میدانم بکلی خالی است خوزستان ممکن است قحطی بشود بنادر جنوب ایران قحطی است فارس و کرمان هم مثل قحطی است و باید با آنها کمک بشود و اگر در تهران هم دولت رفع مشکلات را نکنند و در بعضی ولایات دیگر هم رفع مشکلات را نکنند قحطی خواهد شد رفع مشکلات هم این است که باید وسائل حمل و نقل در اختیار دولت باشد بنده اطلاع دارم که در بندر شاه ما الآن مقداری گندم داریم ترن نیست که گندم ما را حمل کند راه آهن از ما، واگن از ما ترن از آنجا خالی میآید و بدبختی ما این است که گندم ما نمیتواند حمل شود و يك عده از مردم باید سربى شام بزمین بگذارند (صحیح است) و معلوم نیست که کار بکجا خواهد کشید آقای رئیس اظهارات ما روی این زمینه است من هیچوقت نمیخواهم از اظهارات خودم برای کشور برای مجلس برای دولت ایجاد اشکال بکنم من میخواهم رفع اشکال بکنم از نقطه نظر تأیید و تقویت دولت است که عرض میکنم این مشکلات برای ما ایجاد شده است در خرم شهر و محمره بنده اطلاع دارم مقدار زیادی شاید چندین هزار تن ما قند و شکر و اجناس دیگر داریم که جزء ما بحتاج اولیه ما است ولی برای حمل و نقل در آنجا مانده و وسائل حمل را گرفته اند و تا اجازه ندهند حمل نمی شود (صحیح است) در صورتیکه در آن پیمان هم مصرح است و متقابلاً آنها تعهد کرده اند که احتیاجات و محمولات دولت ایران مقدم بر احتیاجات آنهاست و قضیه برای ما حیاتی است اجازه بدهند که ما حمل و نقل مان اولاً تأمین شود (صحیح است) حالا میخواهم بدولت عرض کنم شما از آن پیمان باید استفاده بکنید طبق آن پیمان همانطور که آنها از شما انتظار کمک و مساعدت دارند شما هم باید بکنید من هم میگویم که مساعدت بکنید و در مقابل از يك امپراطوری بزرگی بخواهید که آنچه امضاء کرده اند و سند داده اند عمل کنند تا مردم هم دچار بدبختی و گرسنگی نشوند و الا اگر وضع بهمین منوال ادامه داشته باشد بیم آنست که تهران دچار

قحطی شود و عده ای از گرسنگی خواهند مرد و باید دولت این مشکلات را رفع کند و تکلیف را مشخص بکند چون این قسمت مربوط بجان مردم است این را نمیشود بهمین ترتیب گذاشت که با تراکت مردم از گرسنگی بمیرند آقای رئیس میفرمایند حرف ترن بنده می بینم مردم دارند از گرسنگی میمیرند چرا نباید حرف ترن را بزیم؟! تا جان دارم باید حرف ترن را بزیم.

**رئیس** - بنده نگفتم حرف ترنید گفتم خارج از موضوع حرف ترنید. آقای طباطبائی

**بعضی از نمایندگان** - آقای طباطبائی: موافقید یا مخالف.

**طباطبائی** - اگر موافقی هست بیاید و صحبت کند (اظهاری نشد) عرض کنم که بنده این مرتبه دوم است که از مقام ریاست در جلسه علنی خواهش میکنم که رعایت نوبت را بکنند (رئیس - نوبت شما نشده بود هر که مقدم تر از شما اجازه خواست نوبت اوست) در جلسه علنی مراسم نشان دادند آقای امیر تیمور اجازه خواسته اند هنوز لایحه بمجلس نیامده طبع نشده اجازه خواسته شده است؟ همین بی انتظامیها در امور جزئی تأثیر کلی دارد. (رئیس - بنده که نمی توانم تبعیض کنم هر که قبلاً اجازه خواسته است آن مقدم است) بنده مجبور هستم که عرایض خودم را تکرار و تجدید کنم. مسئله مسئله پول است اینجا بنده عرض کردم پول یعنی قوه خرید. هر قدر این قوه در مملکت ضعیف شد هر قدر قوه خرید کم شد و روبه تنزل رفت اینکه اصطلاح شده میگویند سطح زندگی بالا میرود اجناس قیمتش گران میشود زندگی برای همه مردم مشکل خواهد شد پول مانع و ارتباط مستقیمی دارد با لیره بنده خیال میکنم که همه آقایان در این نکته که عرض میکنم بمن هم فکری بود و بهتر از بنده توجه دارید که تمام این مشکلات و این مضیقه هائی که در جریان زندگی ما هست از همین ارتباط است که در پول ما پیدا شده بنده در جلسه خصوصی بعرض رساندم که اگر صد لیره کاغذی بشما بدهند در عوض از شما هزار و چهارصد تومان پول می گیرند

وقتی که صد تا کاغذ صد تا لیره کاغذی قیمتش باین اندازه رسید ارزش پول شما بهمین نسبت پائین می آید یعنی قوه خرید ارزش پول شما بهمین نسبت پائین آمده است تناسب معکوس است اگر شما لیره را آزادش بگذارید بنرخ طبیعی و عادی خودش بر گردد فرض کنیم لیره شد سه تومان ارزش صد لیره سیصد تومان است باین معنی که قوه خرید پول شما در این مملکت بالا رفته است و خودش را حفظ کرده آنوقت است که شما با ۵۰ قران با ۶ قران میتوانی یک عمده استخدام کنی ولی حالا چه کار میکنید دو تومان بیک عمده میدید چرا؟ دلیل همین است که الان عرض کردم قوه خرید شما کم شده است میزانش آمده است پائین. بنده وقتی که در اینجا بود چه مطرح میشد عرض کردم اینجا هم نکرار می کنم از دولت سابق جداً خواستم، خواهش کردم که توجهی بکنند برای انحلال بودجه کمیسیون ارزی حالادرت در نظرم نیست آن بودجه کمیسیون ارزش چقدر بود که یک مبلغ قابل ملاحظه ای و یک مبلغ معتدله بود بر دوش مملکت تحمیل کرده اند که ما پول را بدهیم و یک اداره بنام کمیسیون ارزش داشته باشیم این چه کار میکند قوه خرید پول ما را پائین می آورد و مملکت را دچار بدبختی و ورشکستگی بنماید (صحیح است) ولی تا وقتی که نشده و اینکار هست و تا وقتی که بقول آقای هژیر خلع وضع نشده و تا وقتی که اینها طی نشده و تا وقتی که این کار هست ایجاد ورشکستگی هست و هر روز هم زیادتر خواهد شد در اینجا صحبت شده و در این دو سه مرتبه که صحبت شده اینطور تقریباً فهمیدیم که لیره را نرخش را بیاورند پائین حالا که چهارده تومان است بیاورند پائین تر (نخست وزیر - چهارده تومان نیست دوازده تومان و هشت قران است) لیره ۲۸ ریال یا چهارده تومان را بیاورید پائین و علاج دیگری نسبت در صورتی که علاج دیگر این است که شما لیره را آزاد کنید و به بینید دارند لیره کی است چه میخواهد با فروشند جنس صحبت کنید که چقدر گندم دارد و چند تا لیره میگیرد و یکخروار گندم میدهد این نرخ حقیقی لیره است البته حالا اعتباری

که خواسته شده پنجاه میلیون است و این البته بطوری که از لایحه استنباط شد منحصرأ برای خرید خوار بار است خوار بار یعنی گندم و اگر صرفاً برای این منظور است این منظور خوبی است و بنده هم موافق هستم دلیل موافقت هم همین نظر است که ملاحظه میفرمائید (صحیح است) البته یک قسمت از مملکت از حیث محصول خیلی خیلی خوب است و با وحشت در مردم ایجاد کردن بنده موافق نیستم آذربایجان فوق العاده محصولش خوب است یعنی بقدری خوب است که میتواند علاوه بر احتیاجات خودش چندین ماه هم خوراک اینجا را بدهد و الا آن هم دارد و محصول آنجا خوب است در آذربایجان و صفحات شمال از حیث برنج بسیار بسیار خوب است خراسان محصولش فوق العاده و خوب است و اگر در صفحات جنوب هم که عادتاً خشکسالی بوده است امسال زیادتر است و وسایل حمل و نقل امسال که تر است این دلیل نیست که اصلاً محصول مملکت خوب نبوده و نمیتوانیم بگوئیم و این اندازه هم در عسرت نیستیم ولی یک چیزی است که ما را در خطر انداخته است و آن اینست که شما از آذربایجان نمیتوانید جنس بیاورید (نبیل سمعی - چرا) چرایش برای اینست که حالا عرض میکنم موافقی نیست باید صحبت کرد و موافقت متفقین را جلب کرد البته زندگی و سازش دوطرفه است. ما در یک مملکتی هستیم که از حیث اقتصاد و از لحاظ اوضاع مالی این است وضع سنان که ملاحظه میفرمائید و چه اندازه با متفقین کمک کردیم مثلاً خط آهن ما که با یک زحمتی یعنی با دینار و شاهی هائی که از پیرزها گرفته شده با پول خودمان با زحمت خودمان با مخارج خودمان درست کردیم. الا آن چه کردیم گذاشتیم برای آن مساعدت با آنها ما آنچه را که بیشتر از آن نداشتیم گذاشتیم برای مساعدت با دول معظمه دنیا که با ما متفق هستند البته آنها هم باید با ما کمک بکنند فرمودند چه جور است و کی است خوب اینها البته با دولت است و اینها البته استدلالهائی است که دولت بهتر میدانند و بهتر از همه خبر دارد و واقف است بنده شنیدم که اگر از مازندران بخواهند یکخروار

برنج حمل کنند مانع میشوند و نمیگذارند و وسائط نقلیه ما در دست متفقین ما است البته ما خیلی راضی هستیم از کمکی که کرده ایم و کمک هم میکنیم بنده یک موضوع را شنیدم اگر حقیقاً این طور باشد قبلاً تأسف است که فرض بفرمائید چهارتا واگنی که با یک محمولاتی وارد میشود اگر خالی بخواهد بر گردد اجازه داده نمیشود یک چیزهائی که ما در داخله احتیاج داریم حمل کنند بیاورند به تهران بنده شنیدم که اگر کسی چهار تا کامیون میبرد به زنجان آنها آنقدر هم با کمک نمیکند که وقتی برمیگردد اجازه بدهند که چهارتا تخم مرغ بردارد و بیاورد صرفنظر از این حمل خود تخم مرغ هم ممنوع است ما از همکاری متفقین راضی هستیم اما دوسه احتیاج مبرم دارد مملکت که باید با ما کمک کنند که آنها انجام شود یکی عرض کردم بهای لیره است که باید با ما کمک کنند و همراهی و مساعدت کنند که این وضعیت از بین نرود ارزش لیره چیست؟ و واقعاً قیمتش چه است؟ باید در بازار رعایت بشود باید بزور تحمیل نشود به مملکت (یکی از نمایندگان - صحیح است باید آزاد باشد) یکی این است دوم مسئله حمل و نقل است آقا ما احتیاج مبرم داریم به لاستیک و اتومبیل برای تپه برای اینکه ما بتوانیم محصول را بنقاط لازم حمل کنیم الا اگر بخواهند با ما جنس بدهند ما عاجزیم که حمل کنیم بنقاطی که خیلی احتیاج داریم چرا چون وسیله نیست کامیونهای ما داشتیم گذاشتیم در اختیار آنها الا خودمان نداریم شنیدم که وزارت خوار بار یکی دو حلقه لاستیک هم ندارد بکسی بدهد خوب این یک اثر بدی هم کرد (افشار - بایرانی نمیدهند بغیر ایرانی میدهند) خوب چرا نباید بدهند؟ در همین مجلس آقای وزیر مالیه سابق یا اسبق گفتند صد هزار حلقه لاستیک بنا است ما بدهند تعهد کردند بعد بنده از یکی از تجار شنیدم که هزار حلقه لاستیک آمده بود در بنادر جنوب آنجا یک مقداری بمارسید بقیه را بردند و گرفتند پس باید با ما کمک کنند با ما مساعدت بکنند که ما از حیث حمل و نقل این طور که سرکار ملاحظه

میفرمائید در عسرت هستیم خلاص شویم این یکی مسئله دیگر موضوع جنس است اینجا صحبت از پشته وانه و نمیدانم دارد یا ندارد، کم است یا زیاد است و اینها میشود کجا بما طلا دادند ندادند از اینها گذشته امروز شما دکان خبازی جلوی مجلس را اگر مملو از طلا بکنید نمیتوانید جلو گیری از ضجه و ناله مردم کنید برای یک نان از صبح قبل از آفتاب اگر باور ندارید بروید به بینید هنوز آفتاب نزده مردم می روند نانوائی تا کی؟ تا شب تا وقتی که ممکن است دکان نانوائی باز باشد شما کوه های البرز را هم اگر طلا کنید بدهید بما علاج نمیکند ما طلا نمیخواهیم طلا مال آنهاست که طلا دارد نقره هم مال هر کس که هست باشد ولی ما اگر کمک میدهیم و کارهای آنها را انجام میدهیم آنها هم باید ما را کمک کنند و مطابق تعهدات جنسی که دارند باید عمل کنند خوب اینها یک مطالبی بود که توی دماغ من بود از ۷ تا ۸ ماه پیش تا حال بعضی از مأمورین متفق ما در تهران همیشه از مساعدت های خودشان میگویند و ما هم میشنویم اینها هم مساعدت هائی است که ما کرده ایم و اجمالاً لازم بود عرض کنم که تا حالا گفته نشده که ما هم صمیمانه و صادقانه مساعدت کرده ایم با آنچه که در دست داریم بنده این را اینجا عرض کردم مطلبی هم هست که در حضور دولت عرض میکنم که همین چندین شبه در یک شب دولت برای فردا روزش جنس نداشته است و ممکن هم بوده است که مثلاً دیشب برای امروز جنس نرسد و اگر نرسید ممکن بود که جنس اصلاً پیدا نشود آیا این زندگی قابل دوام است آنهم کی وقتی که خرمن الا آن توی بیابان است این را میشود فکر کرد یک شهری که دارای هفتصد و پنجاه هزار جمعیت است برای یک روز اندوخته نداشته باشد این زندگانی اصلاً قابل تحمیل نیست بنده معتمد چون گفته میشود در داخله مملکت جنس هست عرض میکنم که خیلی خوب خدا کند که باشد بنده هم تصدیق کردم در داخله جنس هست ولی موافقی هست که با همکاری های سریعتری ممکن است نتیجه گرفت خوب حالا



اگر جنس باشد پس این جنس ها چه میشود شما از ما ریال میگیرید جنس بما بدهید و این جنس هم پیش ما می ماند شما هم نظارت بکنید در آن موقع که دیگر جنس نیست آنها بمصرف برسد پول ما هم از ارزش نمی افتد چرا؟ برای اینکه پول داده شده و جنس گرفته شده است ولی حالا پول را که داده اید در مقابل چه میگیرید؟ یکی از رفقا بمن تذکر دادند و من فراموش کردم عرض کنم که نرخ لیره باین شکل ( بنده چون اهل اقتصاد نیستم نمیدانم چه شکلی است) برای خود متفقین هم فایده ندارد و این مشکلات هست زیرا يك عمله روزی سه تومان میگیرد (افشار - عجب است برای آنها صرف دارد) خوب حالا بمن تذکر می دادند آقابنده نمیدانم چه شکلی است عرض کنم که همین سیب زمینی توی همین مملکت توی همین تهران يك من سی شاهی دو قران بشما بالتماس میدادند خرواری بیست تومان حالا شده شنیدم خرواری صد و چهل تومان، صد و پنجاه تومان (افشار - دویست و چهل تومان) دویست و چهل تومان کجا بیست تومان کجا آنهم نیست این را بگویم که سیب زمینی ترقی نکرده آقا ارزش پول ما قوه خرید پول ما را کم کرده اند ملاحظه بفرمائید از یک طرف جنس واقعاً خوب است ( البته نسبت بزمان های عادی کم است) از یک طرف جنس از سرحدات خارج شده و برده شده است از يك سمت هم مصرف غیر از خود ما میشود به بینید پایه اش بکجا رسیده است بنده شنیده ام یکی از تجار پریشب بمن گفت که مهاجرین لهستانی که این جا هستند در خود تهران هر روزی پنجهزار بطری شیر مصرف می کنند همینطور حساب کرده و تخم مرغ و چیزهای دیگر معلوم است خوب اینجا هم که میزان مصرف تا این اندازه بالا رفته از آن طرف هم ارزش این لیره که باید حتماً و انصافاً قیمت عادی اش چند برابر کمتر از آنچه که امسال است باشد والا اگر اینطور معامله کنیم و اینطور بگیریم نتیجه همان بد بختی و عسرتی است که پیش آمده است بنده عرض خودم را خلاصه میکنم که اگر ۵۰ میلیون تومانی را که اجازه

خواسته اند صرفاً برای خریداری گندم و حبوبات است که در سیلوی تهران ذخیره شود بنده موافقم و اگر صد میلیون هم پیشنهاد کرده بودند بنده موافق بودم از آنجائی که صرفاً برای این مصرف است ( نخست وزیر - اما نه در سیلوی تهران در تمام کشور) خوب در هر نقطه کشور در داخله کشور در تحت نظر دولت باشد عملاً خلاصه این است که دستور بفرمائید در تهران یا در هر جا از طرف وزارت خواربار جنس را بخرند و تحویل بدهند یکی دیگر اینکه دولت لااقل این را قبول بدهد تا وقتیکه آن دویست میلیون که در کمیسیون هست و مورد شور و مذاقه است تا از آن نتیجه گرفته نشده و بعرض مجلس نرسیده باید يك فکری برای کمیسیون ارز بشود و باید نرخ لیره را آزاد کرد البته واگذار کردن نرخ عادی و طبیعی خودش در بازار این موضوع مرتفع خواهد شد.

رئیس - آقای تهرانچی .

تهرانچی - بنده موافق هستم و عریض خودم را خیلی خلاصه خواهم کرد چون آقایان توضیحات فرمودند البته بنده عریض دیگری داشتم که مربوط بان لایحه قبلی بود که حالا مورد بحث نیست و امیدوارم که انشاء الله به مجلس نیاید و اگر خواست بیاید بعد عرض میکنم و نظرم این است که بهتر بود اصلاً دولت ارتباط این لایحه را با آن لایحه لغو کند چون آن يك چیز دیگری است و این چیز دیگر عرض کنم در این جا البته مسلم است باید چند چیز معلوم شود و آن این است که خوب این وجهی را که برای خواربار خواستید این يك استقراضی است که در واقع می کنید وقتی که دولت يك استقراضی مینماید میخواهیم ببینیم آیا بانك اسکناس ندارد؟ اگر ندارد چرا ندارد؟ این اسکناس ها چه شده این را باید توضیح بدهند منم بفهمم علت اینکه اسکناس ندارند و نمی گیرند از بانك علتش چیست سابقاً در تمام دوا بر پول می گرفتند از بانك اعتبارش هم می آمد حتی شرداری ها هم اعتبارشان می آمد شما هم از همان پول قرض کنید حالا چه شده است که میگوئید اسکناس نیست

که بانك بتواند قرض بدهد و باید اسکناس جدید منتشر شود . در قسمت دیگر عرض کنم کابینه سابق هفتاد میلیون اعتبار گرفت دفعه اول برای انتشار اسکناس که آن هم بعنوان قرض بود و يك مدتی هم برای استرداد آن گذاشت که پس از انتشار بر گرداند اما در این لایحه اینجا نوشته اند که چه موقع برمی گردانند باید در لایحه مدت برگشت تصریح شود که بانك باید مکلف باشد که این را از انتشار خارج کند ولی خوب آنوقت گفتند سی میلیون چهار میلیون را برای متفقین لازم داریم ولی گفتند که سی میلیونش برای خرید خواربار است برای تهیه اجناس است این اجناس که خریده شده است مگر فروش نشده است این مدتی که گذشته چه مبلغ خریده اند و چه مبلغ فروخته شده است اگر این لایحه که در این جا مطرح است در کمیسیون میرفت بهتر بود بنده نتوانستم در فوربت اول و دوم مخالفت کنم حالا اینجا آقای وزیر دارائی توضیح بفرمائید پولهایی که پیش اعتبار داده شده است بفهمیم چه شده است . عرض کنم صحبت دیگر این است که خواستم استدعا کنم و به بینم از برای چه پنجاه میلیون خواستید آیا برای خوارباری است که میخواهند بخرند و تمام مردم محتاج هستند و آیا این را ممکن نیست با کمتر از این بشود انجام داد برای اینکه سابقاً سیصد میلیون ریال اعتبار وام داشت برای داخله خوب اگر در تمام ایران بخواهیم خرید کنیم يك مرتبه که نمیشود این را خرید و اگر تدریجی است و از آن طرف هم تدریجی باید بفروشد البته به تدریج پول آن بر میگردد و اگر بشود با کمتر از این مبلغ این منظور انجام شود البته بهتر خواهد بود يك عرض دیگر بنده که باید در مجلس عرض بکنم و تذکر بدهم اینست که میخواهم عرض کنم که دولت و همینطور مجلس شورای ملی البته نمیدانم توجه دارند یا ندارند ولی باید متوجه باشند که این ذخیره اسکناس مال دولت نیست این ذخیره اسکناس غیر از بودجه دولت است و اگر لایحه برای ذخیره اسکناس به مجلس داده شود به کمیسیون دارائی و بودجه چندان ارتباط ندارد ( نمی خواهم که بگویم که هیچ ارتباط ندارد) ولی

به کمیسیون دادگستری بالاخره مربوط است . برای اینکه ذخیره اسکناس اعتباری است که به بانك داده ایم که انتشار اسکناس بکند و در مقابل صدی شصت پستوانه داشته باشد و نمیتوانند بروند اینها را بردارند این هیچ مربوط بعواید دولت نیست این مربوط به مردم است و این اعتباری است که در مقابل نثر اسکناس داده شده که تا ۴۰٪ اسکناسهای منتشره پستوانه باشد و روی يك مصالحي هم گفته شد بر داشته نشود چون گفته شد خارج میشود بنابراین این مال مردم است آقا نه مال دولت است . چون از مملکت خارج میشود و از اینجهت ما نمیتوانیم باین سهلی ها روی آن تصمیم بگیریم و باید این موضوع مراعات بشود هم برای حالا هم برای آتی و در قسمت لیره هم عرض کردم اگر آزاد باشد ( ما هم تقاضا داریم آزاد باشد) احتمال می رود اگر آزاد باشد مظنه اش هم بالا برود نه اینکه حتماً پائین بیاید ممکن است بالا برود مظنه اش ( صحیح است) ولی عرض کردم که هیچ چیز تحمیلی خوب نیست اگر چه تحمیل منفعت هم داشته باشد وقتی که تحمیل عدالتی است یعنی میخواهد مانده بگوئیم حتماً پائین می آید بلکه انشاء الله بالا هم برود و ممکن هم هست و باید بعرضه و تقاضا و باختیار عامه گذشت ( صحیح است )

رئیس - پیشنهادی رسیده است قرائت میشود : پیشنهاد آقای دشتی :

پیشنهاد میکنم جلسه بعنوان تنفس تعطیل و ساعت ۴ مجدداً مجلس تشکیل شود . دشتی

رئیس - آقای دشتی

دشتی - علت این این است که عده ای از آقایان اجازه گرفته اند وقت هم يك قدری گذشته است اگر میخواهیم این اجازه ها داده شود و صحبت شود خیلی طول میکشد و بعقیده بنده برای اینکه این موضوع کاملاً بحث شود و دو سه نفر هم که صحبت کردند در جلسه خصوصی گفتند بس است و کافی است برویم در جلسه علنی آن کسانی که در جلسه خصوصی صحبت نکردند در جلسه علنی صحبت خواهند کرد چون این یکی از مسائل خیلی مهم است همانطور که بعضی

از آقایان صحبت کردند ما هم باید صحبت کنیم و در آن بحث کنیم

**رئیس** - آقای دکتر تاج بخش در این پیشنهاد صحبت دارد؟ (دکتر تاج بخش - خیر) پس در این صورت تنفس داده می شود و ساعت ۴ جلسه می شود (در این موقع (یک ساعت و بیست دقیقه بعد از ظهر) جلسه برای تنفس تعطیل و ساعت پنج و ده دقیقه بعد از ظهر مجدداً تشکیل گردید).

**۳- تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر فرهنگ**  
**رئیس** - آقای وزیر فرهنگ مطلبی داشتید؟

**وزیر فرهنگ** (دکتر سیاسی) - آقایان نمایندگان محترم از مراتب فضل و دانش آقای محمد قزوینی مطلع هستند (صحیح است) ایشان در تمام مدت عمرشان مشغول تحصیلات و تتبعات علمی و ادبی بوده اند و هستند. اخیراً شورای عالی دانشگاه با اتفاق آراء رأی دارند باین که ایشان وارد حوزه دانشگاه تهران بشوند و بسمت استاد رسمی از وجود ایشان استفاده بشود (صحیح است) و چون ایشان نمیتوانستند مشمول قانون دانشگاه بشوند باینجهت يك ماده واحده ای تنظیم شده برای این که ایشان را مشمول قانون دانشگاه قرار بدهیم لایحه تنظیم شده است و تقدیم می شود که مورد تصویب آقایان نمایندگان محترم قرار گیرد (صحیح است بسیار خوب است و بسیار کار شایسته است)

**۴- بقیه شور و تصویب لایحه نشر اسکناس**

**رئیس** - به کمیسیون رجوع می شود. اجازه ای که آقایان گرفته اند محفوظ است خواهش می کنم موافق و مخالف یکی یکی اظهاراتشان را خواهند فرمود. آقای دکتر جوان (بعضی از نمایندگان - نیستند آقا) آقای

**معدل** - آقای مخالف بفرمائید صحبت بکنند بنده موافقم.

**رئیس** - آقای اعتبار

**اعتبار** - بنده هم موافقم

**رئیس** - آقای مسعودی

**مسعودی** - راجع باین موضوع خواستم در جلسه خصوصی يك عرضی بکنم ولی متأسفانه وقت نشد و این جا این موضوع را عرض می کنم. البته در این لایحه چون از نقطه نظر خوار باز است با اصل موضوع و با تأمین خواربار موافقت می شود چون این امر مورد توجه آقایان نمایندگان و اهتمام درست است بنا بر این شکی نیست که لایحه نهایت لزوم را دارد و حتی هم شاید در تقدیم این لایحه قدری تأخیر هم شده باشد و يك قدری زودتر خوب بود تقدیم شده باشد. ولی بطور کلی در موضوع نشر اسکناس مخالفت بنده از این نظر است که برای انتشار اسکناس اینجا اجازه نشر پانصد میلیون ریال اسکناس داده میشود و ما باید حتی المقدور يك فکری کنیم که از انتشار اسکناس اضافی جلوگیری بشود. البته مضرات انتشار اسکناس بر همه معلوم است و آقایان مستحضر هستند و میدانند که در اثر زیادی انتشار اسکناس چقدر زندگی مردم بالا میرود و خرج مردم زیاد میشود و چه انعکاسی در بازار و کالاهای تجارتي پیدا میشود برای این قسمت بعقیده بنده باید دولت يك فکری بکند که این اسکناس زیادی که بین مردم رواج دارد این زیادی اسکناس را جمع آوری بکنند ملاحظه بفرمائید ما درست در شهریور ماه سال پیش همینطور که آقای تهرانچی تذکر دادند ۱۲۰ میلیون تومان اسکناس در جریان داشتیم و الان سیصد میلیون تومان اسکناس بجریان است این اضافات اسکناس در صورتیکه در همان موقع این اسکناس کامل رواج داشت و همه هم در کمال راحتی بودند و الان با وجود انتشار اسکناس اضافی باز هم اجناس گران میشود بنظر بنده این اسکناس اضافی چون بیشتر در دست اشخاص میماند خود این باعث گرانی زندگی و بالا رفتن سطح زندگی میشود و این بالا رفتن باعث اینکار میشود برای اینکه این اسکناسهایی که در دست مردم است اگر مصرف نداشته باشد ناچار بصورت جنس در می آید و جنس هم انبار میشود. بالاخره بصورت احتکار در می آید و موجب بالا رفتن قیمت کالاها و هزینه شده و بالتبع زندگی مردم بالا میرود بنا بر این بنظر بنده

يك فکری رسیده است که اگر آن عملی شود در این لایحه رفع اشکال خواهد شد و آن اینست که تمام این اشخاصی که بالاخره عایدات زیادی دارند و مخصوصاً همه آقایان میدانند که در این جریان پیش آمد جنگ عده خیلی زیادی استفاده های بسیار هنگفتی میکنند و مبالغ هنگفتی روزانه شاید آنها استفاده داشته باشند. و در هیچ کجای دنیا هم اینطور نیست که اینطور بکنند که استفاده های سرشاری اشخاص بکنند و دولت از آن استفاده ها هیچ نتیجه نگیرد بنده تصور میکنم همینطور که در تمام دنیا موقتاً يك قوانینی وضع شده برای رفاه حال مردم در اینجا هم ما بآن متوسل شویم و آن قانون تجارت است و آن مالیات بر در آمد است یعنی عایدات اشخاص را در این مدت اصولاً دولت می بیند و يك قسمت از آن را بجمع جامعه و بجمع طبقه مستمند وصول میکند. در همه جا الان این وضعیت است که صدی ۴۰ یا ۵۰ تا ۹۰ از عایدات مردم را دولت ها ضبط میکنند و این برای خاطر مردم است و برای تأمین رفاهیت مردم است پس چرا نبایستی که ما اینکار را بکنیم؟ و اسکناس را که بودنش در دست مردم خودش باعث گرانی زندگی میشود از دست آنها بهمین شکل جمع آوری کنیم بنده تصور میکنم اگر این کار را بکنیم یعنی این لایحه را مسکوت بگذاریم و آن قانون را جانشین این لایحه کنیم یعنی از عایدات خالص اشخاص در مدت جنگ گرفته شود و بجمع جامعه ضبط بشود بهتر است والا اگر فرض بفرمائید که ۵۰ میلیون تومان اسکناس فعلاً ما انتشار دادیم این مسلماً در زندگی مردم تأثیر دارد و این پایان هم ندارد برای اینکه يك مدت دیگر میگذرد و باز لازم میشود. اینرا ملاحظه فرمائید که ما اینجا ۵۰ میلیون تومان را میخواهیم برای اینکه نان مردم اجازت دهیم هر کیلوئی يك قران و خورده اما از آن طرف باید بن حساب را هم بکنیم که این نان بهمین قیمت میماند ولی سایر مایحتاجش را بيك قیمت بی تناسب بالا می بریم و این برای مردم خوب نیست باید که عایدات طبقه ثروتمند را کم کرد که نتوانند زندگی آن طبقه مردم را بالا ببرند.

بنده خیال میکنم اگر دولت این را توجه بکند و باین وسیله عایدات را از دست مردم ثروتمند بگیرد باعث رفاهیت مردم خواهد شد این بود عرایض بنده.

**رئیس** - آقای معدل

**معدل** - بنده تصور میکنم که موضوع را میبایستی تفکیک کرده باشیم تا قدری بتوانیم روشن تر صحبت کرده باشیم یکی موضوع اعتبار و نشر اسکناس است از نظر امر خواربار که يك چهارم (۱/۴) لایحه گذشته است که در کمیسیونها مورد تأمل دقیق واقع شده از نظر اینکه دولت وقت مقداری میخواهد اسکناس منتشر بکند برای انجام يك حاجت داخلی آنهم قضیه ارزاق عمومی. چون مجلس شورای ملی بدولت اعتماد دارد و چون این امر در درجه اول از اهمیت واقع است ما همه حاضر هستیم که در همان اول مطلب و اول گفتار این را تصویب کنیم ولی از نظر اینکه این قضیه نشر اسکناس متوالیاً یعنی هر چندی يك بار يك همچو لایحه ای برای آن به مجلس بیاید و بیای هم مناسبات ما با متفقین ما است و آنهم يك جزء از این لایحه را تشکیل میدهد از این بابت مورد تأمل واقع میشود و باید در آن صحبت کنیم. وقتی که آقای طباطبائی صبح پشت تریبون اظهار کردند که بلی اگر موافقی هست بیاید و صحبت کند و صدائی شنیده نشد شاید کسی اگر از خارج از اصل قضیه مطلع نبود خیال میکرد که اصلاً موافقی نیست. عرض کنم که موافق با لایحه نشر اسکناس برای امر خوار بار همه ولی موافق با نشر اسکناس بی تناسب ولی جهت و دادن بمتفقین بدون داشتن يك قرارداد صحیحی هیچکس (صحیح است) برای اینکه این مطلب را بیشتر رویش صحبت کنیم و روشن تر و واضح تر بگوئیم بایستی يك قدری پرده پوشی را کنار بگذاریم ولی ضمناً هر گونه سوء تعبیری را در اطراف مذاکراتی که در این باب میشود منع کنیم و بگوئیم که مطلب آنطوریکه گفته میشود در نظر است گفته و نوشته شود نه چنانکه میخواهند تصور کنند. ما فعلاً بقول یکی از همکاران بنده که در جلسه خصوصی میگفت لازم نیست



که برویم یا قسم بخوریم یا قلب ها و دلهایمان را باز کنیم تا مطمئن بشوند که ما سوء نیت و غرض ندازیم. عمل ما بهترین دلیل بر حسن نیت ما است با متفقین خودمان. مطابق پیمانی که داریم آنچه را که برعهده گرفته ایم و آنچه را که وظیفه داریم عمل کرده ایم و در مقابل هم انتظار داریم که آنها هم این وظایف را بخوبی انجام بدهند. گاهی دیده میشود که نمایندگان مجلس از دولت گله مند میشوند که شما آن درجه مقاومتی را که بایستی در مقابل این پیش آمد ابراز نکنید نمی کنید اگر قضیه قضیه سیاست بود بنظر بنده قابل این بود که با یک کمی بالا و پائین قضیه را آدم تحمل کند و بتواند تنب بیاورد ولی قضیه مربوط بحیات و زندگانی اجتماع است و دولت هم نباید انتظار داشته باشد که یک امری که مربوط بحیات و زندگی و اجتماع و قوت ایرانی است از طرف مجلس شورای ملی مسکوت بماند چند روز قبل صحبت میکردیم که یکی از نواقص نظامنامه داخلی ما این است که کمتر اجازه داده میشود که آقایان نمایندگان راجع به سیاست صحبت کنند. اگر چه آقای بیات که در آن جلسه تشریف داشتند میفرمودند این بوسیله سؤال و استیضاح میسر است بعد که بنده تحقیق کردم فهمیدم که یک نفر نماینده فقط میتواند سؤال کند و دولت هم میتواند جواب دهد و استیضاح هم که موضوع ندارد بنده از فرصت استفاده میکنم و آقایان محترم هم موضوع را توجه میدهم که ما بایستی این اصلاح را بکنیم که غیر از برنامه دولت ما باید یک فرصت دیگری در دسترس خودمان بگذاریم که گاه گاه برای سیاست دولت و پیش آمدها بتوانیم بحث مفصل بکنیم تا این بار گران را تمامش را بدوش دولت نگذاریم و بالاخره چه افراد مردم و چه دیگران باید مستحضر بشوند و از زبان نمایندگان بنام افکار عمومی این مطالب را بشنوند حالا هم این پیش آمد آنقدر مورد توجه است که در لایحه ای که از نظر خوار بار داده شده باید فرصت را مغتنم شمرند آقایان نمایندگان اظهار کنند و مطالبی را که دارند میتوانند گوش زد دولت کنند و از این طریق و از این راه

دولت را متوجه کنند. بنده یقین دارم که اگر مذاکرانی را که در این باب دارند و داریم اینها را بدولت گوشزد کنیم جای هیچگونه تردیدی نیست که دولت آن احتیاجاتی را که دارد برای امر خوار بار انجام خواهد داد و حقیقت قضیه این است که ما بایستی به متفقین خودمان بگوئیم که آقا اگر ما متفق شما هستیم بایستی همان حقوقی را که برای مردمی که متفق شما هستند همان افرادی که الآن در شهرهای لندن و مسکو و سایر نقاط زندگی میکنند و شما از حیث آنزرقه قائل هستید برای ما هم که متفق شما هستیم باید قائل شوید و این معنی ندارد که بروی خودتان نیارید و ما تصور کنیم که شاید دولت در این باب بقدر کافی مقاومت نمیکند که ما ناچار میشویم که این مذاکرات را باین طرز شدید تکرار کنیم. امروز که سرخرمن است و ما دچار این مشکلات هستیم فردا که زمستان خواهد رسید و پس فردا که راه ها بند خواهد آمد چه خواهیم کرد؟ آیا میتوانیم اجازه بدهیم که در اقصی نقاط این مملکت افرادی بیفتند از گرسنگی بمیرند و ما بنشینیم و تماشاچی باشیم؟ هرگز بنا بر این در این لایحه که رسماً معلوم است که صورت یک لایحه نشر اسکناس دارد و برای امر خوار بار هم است. آن احساساتی که متراکم شده و آن افکاری که جمع شده و آن التهابات درونی که شعله می کشد این ها در ضمن این صحبت ها در ضمن این بیانات سر کشی میکنند و اینها بگوش دولت میرسد و گفته میشود که دولت بایستی با پشتیبانی مجلس شورای ملی که بنده یقین دارم تمام افراد همکاران بنده وقتی که دولت بگوید بمتفقین ما که هر چه در پیمان عهد کرده ایم و پیمان بسته ایم نسبت بتمام اینها وفا داریم نظر میکنیم و کار میکنیم و اقدام میکنیم در مقابل توقعاتی که از ما میشود بایستی استقامت بکنند و مطمئن باید شد که مجلس شورای ملی از دولت پشتیبانی خواهد کرد حرف حساب زدن و حرف حساب شنیدن یک چیزی است که همه طرفداران آن هستند. اما در موضوع خود لایحه بعقیده بنده در مورد آن قیمتیکه برای امر خوار بار معین شد بنده تصور

میکنم که باید در پرونده ها جستجو کرد که کیهان بودند که در سرخرمن نرخ گندم را از آنچه دیگران میخریدند کمتر قرار دادند و این سبب شد که گندمها را خریدند امروز هم بآنجا هائی که بایستی برسد رسیده است و تازه امروز دولت وقت باین فکر افتاده که این قیمت را اضافه بکند. اگر ما بگوئیم هر کس هر عملی که کرده از گناه او بگذریم و رد شویم فردا شاهد و ناظر تمام بلیاتی خواهیم بود که از عواقب آن عمل ناشی میشود. گندمی را که دیگران بقیمتی که شما بهتر میدانید میخریدند چه توقعی داشتید که بیابند بشما به ثلث بهاء به نصف بها بفروشند؟ گندمی که خارج شده و اشخاصی که خریده اند منفعت پرستهای داخلی و دست های خارجی بودند شاید از سرحدات ماهم خارج کردند و امروز تازه باین فکر افتاده اند که قیمت را زیاد کنند. بیان دولت در این قسمت صحیح است که میگوید که اگر امروز هم این کار را نکنیم فردا بدتر از این خواهد بود ولی آیا این تصویب ما یک خط بطلانی نیست بر عملیات گذشته آنها؟ چرا ما تذکر میدهیم و توجه میدهیم بدولت که میبایستی آن اشخاص را بیارود و محاکمه کند و به بیند که آیا آن اشخاص از زوری قصد این کار را کردند یا اینکه اشتباهاً این کار را کردند. حالا هم آقای وزیر دارائی یک توضیح مشروح و مفصل تری بدهند که آیا این ۵۰ میلیون تماش برای این منظور لازم است و آیا این مبلغ تمامش برای امر داخلی و برای مصرف خوار بار خواهد بود؟ تا اینکه یک آرامشی باین افکار متشنج و ملتهب داده شود و زود باین قضیه رأی داده شود و از آن طرف دولت با تمام صحبت هائی که در اطراف این موضوع میشود تلقی با مخالفت بامتن این لایحه نکنند و بدانند که آقایان نمایندگان ناچارند احساساتشان را باین وسیله ابراز کنند

رئیس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - موضوع لایحه گرچه ظاهراً منظور تهیه

خوار بار است برای کشور و باین علت طوری است که کمتر میشود یعنی مشکل است در اطراف این لایحه اعتراض کرد

ولی موضوعاتی است که اگر آنها روشن بشود یقین خواهیم کرد که این لایحه امروزه بر صلاح کشور است و نه بر صلاح دولت بلکه وسایلی خیلی بهتری بود که دولت میتواند عمل کند. اولاً اصل موضوع خوار بار و مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال لزوم نداشت و دولت میتواند تقاضای ۵ میلیون تومان بکند و باین ۵ میلیون تومان میتواند در حدود صد هزار خوار بار گندم تهیه بکند و از فروش روزانه آن هم بقیه جنس را تهیه کند پس ۵۰۰ میلیون ریال از روی ندارد. دوم اشکالات دولت وارد است بر ای اینکه بنده خیلی معذرت میخواهم از هیئت محترم دولت که این را عرض کنم که تا کنون گفتار دولت طوری بوده که بنده شخصاً کمتر اعتماد دارم که تطبیق بکند با عمل برای اینکه بهترین موقع برای جمع آوری گندم همین یکماه گذشته بوده است و در این یکماه گذشته تمام وسایلی در دسترس دولت بوده است از حیث پول و آن قانون بان شدت قانون جلو گیری از احتکار. حال بنده سؤال میکنم آیا در این مدت یکماه غله را جمع آوری کرده اند یا نکرده اند؟ اگر جمع آوری شده و در سیلو برای تهران و شهرستانها موجود است پس این وضعیت نان تهران و شهرستانها چرا باین حال افتاده است؟ اگر دولت نکرده چرا غفلت کرده است؟ اگر دولت موافقی داشته برای این کار چرا از نظر مجلس مخفی داشته است که امروز این وضعیت پیش بیاید که مثل نوش داری بعد از مرگ می باشد از این جهت بنده خیلی معذرت میخواهم که معتقد هستم فرضاً هم ۵۰ میلیون تومان برای امر خوار بار برای کشور لازم باشد ولی لازم نیست که این ۵۰ میلیون تومان را به دولت بدهیم و از این گذشته چون آقایان صحبت هائی فرمودند این جا که گفته شد خارج از موضوع است بعقیده بنده این هیچ خارج از موضوع نیست برای اینکه حالا که این موضوع مطرح است اگر قرار باشد که بتمام جزئیات موضوع رسیدگی نشود خوب نیست. ضمناً اگر چه مستقیماً موضوع مربوط نباشد ولی بعضی موضوعات پیش می آید که به دوسه وسیله ارتباط پیدا میکند

باین جهت بنده یکی دو موضوع را عرض میکنم و چون این آخرین نطق و آخرین صحبت بنده در مجلس خواهد بود بعضی از نمایندگان - برای چه؟ خیر آخرین نطق نخواهد بود. این را عرض میکنم که این نشر اسکناس چه مفاسد دارد و بعقیده بنده پشتمانه اسکناس هر قدر هم قوی باشد و صد در صد هم طلا باشد بودن طلا در دست دولت برای وضعیت اجناس فایده ندارد برای اینکه اصولاً اسکناس نماینده ثروت افراد است. وقتیکه همین اسکناس زیاد تر از میزان منتشر شد وقتیکه ثروت از دست مردم خارج شد اسکناس میشود یک امر موهومی بالاخره همین بحران ها ایجاد خواهد شد. باز هم از مجلس معذرت میخواهم این عرض را بکنم بنده یک قدری بی عقیده شده ام در صحبت ها برای اینکه تمام لوایحی که آمده است اینجا و در اطراف آنها صحبت شده در نتیجه تمام آنها تصویب شده. این است که بنده وقتی می بینم که ثمر ندارد پس فایده اش چه است؟ از این جهت بنده از صحبت زیاد صرف نظر میکنم و همینقدر عرض میکنم که چون آقایان صحبت کردند بنده هم این موضوع را تذکر میدهم و سابقاً هم یک مامیدش عرض کردم که آقایان طرز و رویه دولت با متفقین با این شرط صحیح نیست. یک قرار دادی که هنوز بتصویب مجلس شورای ملی نرسیده علت ندارد بموقع عمل گذارده شود از این جهت است که چنین معرفی شده است که دستگاه حکومتی ما چندین اهمیت نمیدهد که یک قرار دادی که باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد. برسد یا نرسد و برای آنها چندین اهمیت ندارد خصوصاً این قرار داد که بنده هم چندین امیدواری ندارم که اگر بیاید به مجلس خیلی اصلاحاتی در آن بشود ولی اینطور مردم را قرار دادن در مقابل یک امر واقع شده این خوب نیست. مخصوصاً چون این قرار داد را بنده مطالعه کردم یک قرار داد خطرناکی است چون ممکن بود بجای این قرار داد به طرز های دیگری از قبیل فروش کالا در بازارهای ایران از قبیل فروش همان صدی چهل طلائی که از کانادا میگویند بما خواهند داد

خیلی حد اقلش را لیره طلا می آوردند در بازارهای ایران بفروشد تمام احتیاجات خودشان را رفع میکردند اینست که بنده زیادتر از این عرض نمیکنم و باین دلیل بی عقیدتی که بنده از مجلس و از دولت دارم و بدلایلی که در این استعفا نامه خودم نوشته ام بنده از وکالت مجلس شورای ملی استعفا میدهم و چون مطابق مقررات در مجلس قرائت خواهد شد بنده از خواندن این صرف نظر میکنم و البته خودش در مجلس قرائت خواهد شد.

(در این موقع آقای دکتر جوان از مجلس خارج شدند)

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - البته استعفای آقای دکتر جوان خیلی موجب تأثر و تأسف تمام همکاران ایشان است (صحیح است) و امیدوارم بااختیاری که برای ریاست مجلس شورای ملی هست با آقای دکتر مذاکره خواهند فرمود و پس از آنکه از موجب استعفاء استحضار حاصل کردند که اگر عللی باشد که قابل این باشد که بتوانند ایشان را متقاعد بکنند استعفای خودشان را مسترد بکنند از آن اختیار استفاده خواهند کرد (صحیح است - انشاءالله) اما موضوع لایحه و موضوع بیاناتی که امروز از طرف ناطقین محترم در مجلس شورای ملی شد بنده میخواستم از نظر اصل قضیه بحث بکنم و بالاخره به بینم که واقعاً این بیاناتی را که ما میکنیم در اینجا در مورد این لایحه بجا و صحیح است یا مورد این صحبت ها جای دیگر است؟! اینجا البته آقایان مسبق هستند که دولت یک لایحه آورد برای دوست میلیون تومان از وقتی که لایحه را آوردند در همان لایحه دولت پیش بینی کرده بود که مبلغی از این پول را برای خرید خوار بار و تفاوت گندمی که تا بحال از مردم خریده شده است پردازند در همان موقع در کمیسیون بودجه و کمیسیون قوانین دارائی و در کمیسیون بازرگانی که تمام این ها یک قسمت از مجلس را تشکیل میدادند مذاکرات زیادی شد و البته نسبت بآن لایحه دوست میلیون تومان احساس نشد که موافقی باشد و بنده ندیدم در آن جلسه که کسی اظهار

موافقت بکنند با آن لایحه دوست میلیون تومان و اظهار نظری بکنند ولی در قسمت خوار بار و آن مبلغ و مقداریکه برای خوار بار دولت احتیاج داشت همه آقایان موافق بودند همایجا هم بدولت پیشنهاد کردند که شما آن مبلغی را که برای تهیه خوار بار احتیاج دارید تفکیک کنید و علیحده بکنید نسبت بآنکه ما موافق هستیم بحث میکنیم و موافقت میکنیم و آن قسمتی که مربوط پیرداخت قسمتهای خارجی است چون مقدمات آن کار فراهم نشده باین جهت مجلس موافقت نمیکند این جریان کار بود و دولت هم همین کار را کرد و بالاخره آمد. همان موقع هم صحبت بود که پنجاه میلیون تومان از این دوست میلیون برای تهیه خوار بار مورد ضرورت و احتیاج است و در جلسه ای که وزیر خوار بار هم آنجا بودند همینطور صحبت شد و ما موافقت کردیم که این لایحه را شما بیاورید بمجلس برای خوار بار و از این جهت نگوئید منقضی باقی مانده یا مجلس شورای ملی کوتاهی کرده. مجلس شورای ملی در امر خوار بار و تدارک خوار بار و برای اینکه دولت بتواند حقیقه و سالیلی تهیه بکند و باین بیچارگی و بدبختی خاتمه بدهد همه جور حاضر است و نه فقط این پانصد میلیون را حاضر است و موافق است بنظر بنده میلیون های دیگر را هم اگر دولت احتیاج دارد مجلس حاضر است و اشکال ندارد و اشکال این است که مردم خدای نخواستہ از گرسنگی بمیرند (صحیح است) اینجا البته گفته میشود پانصد میلیون زیاد است شاید هم همینطور است ولی ما ناپستی از نظر دور نداریم که دولت نه فقط گندمی که الآن میخورد بانرخ دو برابر که آقایان ملاحظه کردند اعلان میکنند میخورد بلکه آن مردمی هم که خوش حسابی کردند و گندمشان را تحویل داده اند نسبت بآنهام دولت این ارفاق را مصمم است بکنند از این جهت اگر ما یک احصائیه را در نظر بگیریم بینیم گندمی را که دولت باید جمع آوری بکند و آن گندمی را که تا بحال جمع آوری کرده به مبلغ و بنرخ تنی سیصد و چهل تومان و اگر یک حساب کوچکی بکنیم ملاحظه خواهند فرمود که

یک مبلغ مهمی از این پول را باید بیک اشخاصی بدهد که جنس را ازشان خریده اند و تا بحال پول نداده اند و نسبت بآتی هم باید گندم که میخرند پولش را نقداً بدهند چون این موضوع بنظر بنده محل شبهه نیست آقایان هم موافق هستند وقتی که دولت میگوید من گندم را تنی سیصد و پنجاه تومان میخرم آن کسی که عرضه کرد نباید معطلش کرد و اگر خریدار واقعا منحصر بود بدولت تنها ممکن بود مثل اینکه سابقاً چه روزی معطل میشدند سر اُفت سر کرایه سر هزاران گرفتاری مردم معطل میشدند و آن دارنده خوار بار هم میدانست که خریدار منحصر بفرد دولت است این تحمیلات را قبول میکرد و می ایستاد تا اینکه گندمش را بدولت بفروشد ولی امروز اینطور نیست خریدار منحصر بدولت نیست دستهای مختلفی است در این مملکت که گندم را میخرند (و متأسفانه بیشترش هم خودهامان هستیم) و پول را هم میروند درب منزلشان میدهند و این مشکلات را هم بهیچوجه فراهم نمی کنند از این جهت وقتی که دولت اعلام میکند گندم را هر تنی سیصد و پنجاه تومان میخرم اگر فوراً پولش را ندهد اگر این کار را نکنند بایستی قطعاً بداند که موفق نخواهد شد. اینجا البته صحبت زیاد میشود که چرا در موقع اینکار را نکردند در آن موقع هم این صحبت ها زیاد شد و گفته شد که آقا دولت امسال بایستی یک عمل استثنائی بکنند گندم و جنس را که مورد ضرورت و احتیاجش است بنرخ هر محل (که آنروز هم حساب کردیم شاید حد اکثر خرواری هفتاد تومان میشد) بخرد. حالا نشد چه باید کرد پس باید فکر کرد که اگر یک کاری هم که حالا ممکن است نکنیم منتظر بشویم بچه روزی بروز های بدتر از این بنظر بنده این منظور را هیچیک از آقایان ندارد. این را باید بنده عرض کنم حالا دولت هم در عمل ملاحظه خواهند فرمود که متأسفانه گندم و جو و خوار بار امروز از دست زارع و دست اولیه بیرون آمده و دست زارع و مالک نیست امروز جنبه تجارنی و کسب بخود گرفته است، امروز شما در هر ولایت ملاحظه بفرمائید تجار ما کسبه ما (البته نمیخواهم عرض



کنم که همه اینطورند) يك قسمت و شاید بیشترشان تمام کسب و کار را کنار گذاشته اند و امروز گندم و جو و حبوبات میخرند و چون پولش را هم احتیاج ندارند نگاه میدارند و عرضه نمی کنند و باین جهت زحمتی برای خریداری جنس فراهم است و بنده معتقدم که دولت بایستی این قسمت را محل توجه قرار بدهد و اینهم خیلی زود ممکن است بنظر بنده با يك نفتیشات و تحقیقات دقیقی میتواند معلوم بکند که هر مالک و زارعی مازاد گندمش را به کی فروخته و در دست کیست و این را خوب بایک ترتیبات دیگری دولت هم توجه داشته و دارد میشود فهمید که امروز این گروه مردم چه اشخاصی هستند و امیدواریم که دولت موفق بشود و این کار را بکند و آن اشخاصی هم که آن گندم و جو را خریده اند و متأسفانه معلوم نیست چه میخواهند بکنند و بچه قیمت میخواهند بفروشند و حداکثر فکرشان چیست و این گندم و جو را بایک وضعی که آنها خودشان لیاقت آنرا دارند از آنها گرفته شود موضوع بیاناتی که اینجا شد در قسمت ارز و در قسمت معاملاتنی که نسبت به پیدمان و قراردادی که دولت بسته و مذاکره کرد بنظر بنده بیشتر از این مذاکرات جایش همان قرارداد است آن قراردادی است که دولت لایحه اش را داده و هنوز هم به مجلس نیامده بنده وعده ای از آقایان و شاید بیشتر آقایان در این بیاناتی که شد همه موافق هستیم که باید در آن قرارداد مجلس شورای ملی دقت بیشتری و مطالعه زیادتری بکند و البته آن قرارداد و با آن کیفیتی که هست برای این مملکت قابل هضم نیست این بجای خودش صحیح است ولی در این لایحه بنده نمی بینم که صحبت از قراردادی باشد صحبت از ارزی باشد و البته وقت را هم از دست مانگر گرفته اند مجلس شورای ملی هم هست قرارداد هم هست هر موقعی که بمجلس بیاید هر کس هر نظریه ای داشته باشد در آن موقع خواهد گفت و کوتاهی هم نخواهد شد. بنده يك منظوری هم داشتم که در اینجا استفاده بکنم از حضور هیئت محترم دولت این نظر را مدتی است داشتم در خارج هم عرض کردم حالا هم مقتضی دانستم عرض کنم البته آقایان مسبق هستند که نرخ نانی که دولت امروز در تهران میفروشد

سه قران و کسری است که این را وقتی تطبیق می کنیم با گندم خرواری سی و سه تومان و خرده ای می شود و حال این که در خارج از تهران يك فرسخ از تهران که دور میشود و گندم نرخ عادی خودش را دارد و خرواری از صد و ده تومان تا صد و بیست تومان است این تفاوت و این ارفاقی را که دولت میکند البته در این قسمت که نسبت به بیچارگان و مستضعفین است کاملاً بجای و صحیح است ولی برای آنها که میتوانند نان را بنرخ عادلانه خودش یعنی سه نرخ گندم بخرند بنده نفهمیدم چرا اینطور است؟! این کار علاوه بر این که عمل بیجائی است موجب شده که تمام زارعین تمام دهاتی ها که بایستی هر کس در این موقع مشغول کسب و کار و زندگانی خودش باشد بطهران میآیند اگر آقایان ملاحظه فرموده باشند درد کان خبازی ها همیشه صف اول را دهاتی ها اشغال کرده اند (صحیح است) اینها همه شان میآیند و هر چقدر میتوانند نان تهیه میکنند و میدهند در آبادی خودشان علاوه بر اینکه خودشان استفاده میکنند میفروشند نتیجه اش این میشود برای اینکه هر رعیت و زارعی معمولش این است که برای خوراك خودش و بذرخودش همیشه در موقع برداشتن خرمن آن قسمتی را که اختصاص بخوراك خودش و عائله اش دارد کنار میکذارد ولی وقتی که يك همچو بازاری هست در دو فرسخی سه فرسخی پنج فرسخی در تهران هست که میتواند نان خودش را تهیه کند از قرار خرواری سی و سه تومان هیچ امکان ندارد که او نان خودش را بخورد بالاخره آن گندمی که برای آذوقه خودش تهیه کرده میفروشد و میآید بتهران (که تهران گرفتار این زحمت و فشار شده) و نان خودش را با قیمت ارزانتر تهیه میکند. بنده همیشه این نظر را داشتم سابقاً هم این نظر نان با قیمت آزاد مثل سایر ولایات از قبیل قم و سایر جاها ~~آهائی~~ که توانائی دارند بروند بخرند؟ يك نان دومی هم قائل بشود برای آن اشخاصی که نمیتوانند، البته در عمل ممکن است این کار تولید اشکال و زحمت بکند ولی اگر بالاخره

يك احصائیه تهیه بکند آن اشخاصی که استحقاق بیشتری دارند (اگر هم در عمل يك عده کم و زیاد و پس و پیش بشود اشکالی ندارد) بانها کوپن بدهند اوراقی بدهند که بموجب آن ورقه ها معرفی شد، باشند که بروند نان ارزان بخرند برای این که خیلی ها هستند که حاضر نیستند بروند دکان نانوائی و باین زحمت و فشار دچار بشوند ولو به قیمت خیلی بالاتر هم بخرند. و این ترتیبی که فعلاً هست صرف نظر از این سختی که دارد اصلاً مصرف تهران را هم زیاد کرده است، تهران مطابق آن معمولی که سابق داشت حداکثر چهارصد خروار و بعد به چهارصد و پنجاه خروار رسیده بود ولی برای این تفاوت مهمی که امروز هست امروز به هشتصد بلکه هشتصد و پنجاه خروار رسیده است و این نیست مگر این که آن اشخاص و دهاتی هائی که در اطراف هستند برای شان صرفه دارد که نان و گندم خودشان را به قیمت آزاد بفروشند و بیایند بتهران و بنده میخواهم از دولت خواهش کنم که در این باب فکری بکنند و نرخ نان را آزاد بگذارند و با این ترتیب گندمی را که الان در حدود هشتصد و پنجاه خروار در روز بخبازی ها میدهند بنده معتقدم که قطعاً يك ثلث کمتر خواهد شد و این صرفه ایست برای زندگانی مردم و این را اگر ما واقعاً فکر کنیم که اگر با اینطور بتوانیم يك سیال نان به مردم بدهیم از قرار يك تومن یا دوازده قران که قیمت امروزش است این بنظر بهتری آید یا اینکه ناسه ماه بدهیم و بعد از سه ماه بگوئیم نداریم و البته این بهتر است که باقیمت آزاد مصرف را پائین بیاوریم یکی و باضافه نگذاریم رعایا و زارعین گندم خودشان را که در سر خرمن برداشته اند و آذوقه خودشان را تهیه کرده و کنار گذاشته اند بروند در خارج و گندم خودشان را بیک قیمت بیشتری بفروش برسانند این بود عرایض بنده در قسمت نرخ ارز و در قسمتهای دیگر که صحبت شد و میدیدم آقای طباطبائی و سایر آقایان دیگری که صحبت فرمودند بالاخره در آخر فرمایشاتشان همه میفرمودند که من که برای مخالفت با این لایحه صحبت میکنم بنام خواربار

و برای خواربار موافق هستیم و بنده گمان میکنم همه آقایان همین نظر را دارند همه موافقت دارند و بایستی هم همینطور باشد امروز مجلس در مقابل يك لایحه ایست از دولت که دولت میخواهد خواربار این شهر و این مملکت را تأمین کند ما باید با حسن نظر استقبالی کنیم و تصویب کنیم.

رئیس - آقای سزاوار موافقت یا مخالف.

سزاوار - موافقم.

رئیس - آقای دکتر طاهری موافقت یا مخالف.

دکتر طاهری - موافقم.

رئیس - آقای ملک مدنی.

ملک مدنی - موافقم.

رئیس - آقای ثقة الاسلامی.

ثقة الاسلامی - موافقم.

رئیس - آقای فرمانفرمایان.

فرمانفرمایان - موافقم.

رئیس - آقای دهستانی موافقت یا مخالف.

دهستانی - موافقم.

رئیس - آقای دکتر ملک زاده موافقت یا مخالف؟

دکتر ملک زاده - بنده يك تذکری داشتم.

رئیس - بفرمائید.

دکتر ملک زاده - بنده عقیده ام باین است که در مسائل

حیاتی مملکت موافقی و مخالفی در کار نیست در مجلس و همه

متفقاً هم فکر و هم رأی هستیم (صحیح است) چیزی را که

میخواستیم تذکر بدهیم ضرورت هم دارد این است که استعفای

آقای دکتر جوان. (همه مه نمایندگان)

بعضی از نمایندگان - مطرح نیست آقای

اعتبار - بگذارید بخوانند بعد.

دکتر ملک زاده - تا ظهر هم که بخواهید بیاورید

من که متقاعد نمیشوم. يك و کیلی در مجلس در يك موقعی

که يك لایحه مطرح است و يك بحرانی هم در مملکت هست

استعفا داده است بعقیده بنده مقتضی است باید دید قبول شده

است یا نشده است. هر چه میخواهد بشود در این موقع

نظر بو حشمت افکار عمومی (همهمه نمایندگان - زننگه رئیس) رئیس - آقای دکتر موافقت؟

**دکتر ملک زاده** - بنده فقط میخواهم يك توضیحی در اطراف این قضیه بدهم که از نقطه نظر مصالح عمومی لازم دانستم (طباطبائی - آخر قرائت بشود) عرض کنم آقای دکتر جوان بنظر خودشان يك موقع مناسبی را بدست آوردند که يك نظریاتی را اینجا اظهار بکنند و اظهار عدم اعتماد تقریباً نسبت به مجلس شورای ملی که یکی از اعضای آن بنده باشم بکنند (همهمه نمایندگان - نه اینطور نیست آقا) اجازه بفرمائید گفتند در این مجلس (آقایان قبول نمیکنند نکنند من روی فکر خودم و ایمان خودم این را عرض میکنم) يك اظهاراتی راجع بلوایح میشود و بعد هم برخلاف اظهارات خودشان رای میدهند الان اینجا گفتند و رفتند. توجه میفرمائید آقایان نظرشان هست بعقیده بنده در این موقع پر آشوب که تمام ارکان مملکت متزلزل و دستخوش نیستی شده بود و همان طبقه‌ای که نه فقط حافظ سرحد های ما بودند حافظ تمام حدود و ثغور مملکت بودند هر کدام از يك طرفی فرار کردند فقط همین مجلس بود که در جای خودش پا برجا بود از نقطه نظر مصالح کشور و در نتیجه بقا وجود مجلس بود که امروز ما دارای يك دولت و يك وضعیت و يك اوضاع و يك هستی هستیم (صحیح است) وقتی که مجلس دوازدهم تمام شد ما این خود ما بحث شد که آیا صلاح کشور در این است که مجلس سیزدهم منعقد بشود یا نشود و بنده یکی از آن افرادی هستم که اگر وجود مجلس را صد در صد برای مملکت نافع نمیدانستم اول کسی بودم که از مجلس استعفا میدادم و حتی المقدور سعی میکردم که آقایان از من پیروی کنند. بعقیده بنده استعفا و کناره جوئی از مجلس مرکز ثقل و یگانه مرکز مهم و مورد انکاء مملکت کناره جوئی از مجلس، نه فقط در نفع مملکت نیست بلکه برای مملکت زبان بخش است بطور کلی شما بکنید، او بکند، دیگری بکند، هر کس بکند این عقیده ایست که بنده خواستم در اینجا اظهار بکنم و نمیتوانستم در این موقع

وبعد از اظهارات ایشان يك همچو اظهاری را نگنم و امیدوارم که مجلس شوپلی مالی (با این هیو هائی که کردید) با این عقیده بنده موافق باشد و استدعا میکنم حالا اجازه بفرمائید که بنده یکقدری در اطراف این لایحه صحبت بکنم (خنده نمایندگان) و آن این است که قضیه متأسفانه در اینجا تفکیک نشده است در مجلس هم يك مذاکرات فوق العاده سودمندی که حقیقه از يك روح و قلبهای وطن پرست و بی آلاشی که از علاقه به مملکت بعقیده من سرچشمه میگرفت اظهار شد. هم در مجلس خصوصی و هم در مجلس عمومی همه اظهارات تقریباً مؤید فکر یکدیگر بود و از روی علاقه مندی یکدیگر بود ولی موضوع را از همدیگر تفکیک نکردیم یکی موضوع خواربار یکی موضوع اقتصادی است با خارجه اینها را باید از همدیگر تفکیک میکردیم، مسئله خواربار چیزی است که تمام قوه و مساعدتهائی که مجلس شورای ملی ماداً و معنماً در توانائی دارد باید برای تأمین آذوقه و ارزاق عمومی بکار بردن خیلی متأسفم که اعتبار نداریم یعنی اعتبارات مالی ما اجازه نمیدهد که آنچه دولت تقاضی میکند از راه خزانه بدولت بپردازیم بنده از کسانی هستم که میگویم آقا پانصد میلیون امسال دولت ضرر بکند و جلوگیری از فقر و مشقات مردم بکند حالا هم این عقیده دارم بخلاف نظریات دیگر کارخانجات جهنم اگر ما ماندیم و زنده ماندیم کارخانه هم میتوانیم درست بکنیم و الا نه کارخانه میماند نه ما و اگر بفرمائید یکی از آقایان کارخانه ها ملی بشود هم کارخانه سر جایش است و هم يك پولی نوی جیب دولت میرود این است که بد بختانه ما نداشتیم يك اعتباری (یعنی دولت نداشت) که از آن راه بتواند احتیاجات خوارباری را تأمین بکند و مجبور شدیم متشبث بشویم بيك ضرری و بيك خطری (این نشر اسکناس) ولی من از آقایان این سؤال را می کنم و آقایان متوجه هستند و مخصوصاً میخواستم مردم متوجه بشوند که آقایان گران خریدن بهتر است یا گرسنه مردن؟! توجه بکنید، ما متأسفیم از این که چهل میلیون شصت میلیون هر چقدر نشر اسکناس را اجازه میدهم

این زبان بخش است، این زندگی عمومی را بالا میبرد، این ضررهای زیادی در بردارد ولی اگر جواب این سؤال من داده شود می فهمند همه و تصدیق خواهند کرد که ما در مقابل این زبان مجبوریم که تمکین و تسلیم بشویم. چرا؟ برای این که صحبت سر نان گران خوردن است یا مردن است از گرسنگی زیرا وظیفه دولت در امر خواربار هر کس میخواهد باشد هر دولت میخواهد باشد حفظ مردم است از گرسنگی و قحطی و مردن و این یکی از آنهائی است که بنده امیدوارم که هم مجلس شورای ملی و هم مردم متوجه بشوند که آنچه میشود و آنچه مجلس میکند در خبر و صلاح مملکت است و با همکاری دولت و مجلس عملی که بر خلاف صلاح مملکت باشد نمیشود و این چون يك قسمت دومی هم در اینجا بحث شد که این نظر مجلس... البته دولت، فکر دولت همیشه در مملکت مشروطه از مجلس سرچشمه میگردد یعنی در حقیقت فکر مجلس و نمایندگان ملت است که برنامه دولت را میسازد امروز یکی از مهمترین مسائلی که مورد توجه از هر جهت هست و هم مجلس و هم دولت و هم افکار عمومی را بخود مشغول کرده است مسئله مناسبات اقتصادی و مناسبات ارزی ما است با دول همسایه امروز که يك لایحه ای آمده است به مجلس و امروز دولت مشغول مذاکره است بنده هم از آنهائی بودم که هم عقیده بودم که وارد در آن موضوع نشویم و بگذاریم دولت مذاکراتش را پایان بدهد و آنوقت که به مجلس آمد این مذاکرات را بکنیم ولی اینجامذا کرانی که شد البته شاید، شاید هم خیر بعقیده بنده خیلی هم سودمند بوده است و البته دولت هم نظر مجلس شورای ملی را استفاده می کند ملخص می کنیم در دو جمله: جمله اول این است که مجلس از روز اول تشخیص داد و امروز مجلس بیش از پیش تشخیص میدهد که این قضیه خرید لیره به چهارده تومان از روز اول یکی از پایه های غلط و یکی از پایه های فوق العاده بی مطالعه بوده است که دولتهای گذشته برای این مملکت متأسفانه گذارده اند و این زمینه شده است برای عملیات بعدی و در نتیجه زندگی اقتصادی

ایران دو برابر شد و این سختی و این بدبختی که ما امروز مبتلا هستیم در نتیجه همین موضوع است (صحیح است) متأسفانه بعقیده من دول خارجی هم از این کار بهره و سودی نبرده اند، این اشتباه است که سودی برده اند چرا برای اینکه آن عملاً هفتهازری را اگر لیره پنج تومان بود امروز با این قیمت لیره باید دو تومان بدهد فردا چهار تومان بدهد و يك ضرر دیگری که ما بردیم این است که اگر لیره پنج تومان بود (طباطبائی - آنها که ضرر نبردند) ما مجبور بودیم نصف آن اسکناس را که امروز منتشر میکنیم منتشر کرده باشیم (صحیح است) این نکته قابل توجه است چرا؟ بواسطه اینکه آن مصرف کننده اسکناس عوض آن يك جفت کفش که یکی از رفقا گفتند رفته بیست و چهار تومان بخرم يك لهستانی آمد پنجاه تومان داد وقتی که پنجاه تومان بیست و پنج تومان میداد و بجای صد تومان پنجاه تومان خرج میکردید یعنی زندگی گانی پائین تر بود قطعاً نصف آنچه را که امروز احتیاج دارند تقاضی میکردند و طبعاً ما مجبور بودیم که امروز با این وضع اقتصادی و مالی ما اجازه بدهیم اسکناس منتشر کنیم. این نکته اول بود که خواستم عرض کنم که مجلس شورای ملی تقریباً در روی این اساس و پایه توافق نظر دارد موضوع دوم در مسئله قرارداد بنده صریح میگویم که از این تاریخ مجلس شورای ملی دیگر اجازه نشر اسکناس نخواهد داد تا موضوع قرارداد اقتصادی و مالی ما با متفقین در روی يك قراردادی روشن نشود. چون اینجا يك قرار دادی است باید بیاید به مجلس شورای ملی یا این قرار داد رد میشود آنوقت باید به بهشان گفت آقا خودتان میتوانید احتیاجات خودتان را تأمین کنید و یا این قرارداد قبول میشود در روی يك اساس و پایه ای و آنوقت هم دولت و هم مجلس تکلیف خودش را میداند و آنوقت هر روز دولت مجبور نیست بیاید يك مقداری اسکناس تقاضا بکند و دوباره این دفتر از اول باز بشود و نگرانیهای تولید شود و اشکالاتی برای ما تولید شود مجلس شورای ملی از دول همسایه که ملت ایران نسبت با آنها در همکاری



دوستی، صمیمیت، کمک آنچه در توانائی داشته است بعقیده بنده کوتاهی نکرده است. يك مثلی است که شاید یکقدری نزاکت اجازه ندهد که این مثل را عرض کنم ولی چون میگویند که به مثل ایرادی نیست، فرنگی ها میگویند که خوشگلترین زنهای دنیا بیش از آنچه چیزی که دارند نمیتوانند بدهند (خنده نمایندگان - همه) و از طرف ملت ایران هم کوتاهی نشد و آنچه در دسترس داشتیم در اختیار آنها گذاشتیم (همه نمایندگان - کافی است کافی است) من اول عذرش را خواستم بنابراین آقا ما انتظار از دولت داریم که با متفقین باین ترتیب قضیه را حل کند که به تناسبی که ما بآنها پول میدهم برطبق يك قرارداد مالی احتیاجات ما را که عبارت است از گندم و عبارت است از وسایل نقلیه و عبارت است از دوا و بعضی از احتیاجات دیگر برطبق يك قرارداد قطعی تعیین بکنند این بود نظر بنده.

رئیس - آقای دشتی

دشتی - یادم میآید در کابینه آقای سهیلی يك لایحه آورده بود. برای خواربار برای جلوگیری از احتکار البته لایحه خوبی نبود برای اینکه يك وسیله شمر خوانی بدست مأمورین دولت میداد بدون اینکه دولت استفاده بکند خوب خاطر میآید عده مخالفت میکردند آقای سهیلی بخیال اینکه موقع خیلی مناسب است. گفت آقا اگر بخواهید با من مخالفت بکنید اینجا جایز نیست اینجا صحبت حیات ملت ایران است این يك وسیله و يك بهانه ای بود برای اینکه بتواند در مجلس شورای ملی لایحه اش را بگذراند در این لایحه هم متأسفانه می بینم متصل میگویند مسئله خواربار است و مجلس کاملاً موافق است که مسئله خواربار تأمین شود البته مجلس موافق است ولی این لایحه، لایحه تأمین خواربار نیست این لایحه پنجاه میلیون تومانی بچه آن لایحه دو بیست میلیونی است! شما خیال میکنید که اگر امروزان گیر مردم تهران نیاید برای این است که پول نداشتند خواربار بخورند؟! اینطور نیست! دولت اینجا هست از شما پرسیم علت اینکه در تهران مردم شب سر بی شام زمین میگذارند

بعضی اوقات شده است که حالت گریه بمن دست می دهد (صحیح است) که مقدرات يك مملکتی را بدست این ها باید داد و وزارت امور خارجه ایشان را میفرستد برای آمریکا سفیر کبیر باشد. برای چه چه چیز باعث شده است: آیا حقیقه مصالح مقتضی شده است؛ بخدا نیست (صحیح است) فقط برای این است که دیگر نخواسته اند او وزیر دربار باشد و در عین حال برای اینکه مدتی لله باشی بوده است حالا میخواهند پادشاهش بدهند سفیر کبیرش می کنند و رفتند با اصرار زیاد

رئیس - چه دخلی دارد چه ارتباطی با موضوع دارد:

دشتی - وسط حرف من حرف نزنید آقای رئیس. رفتند با اصرار زیاد با آمریکائی ها صحبت کردند آن ها را حاضر کردند که سفیر کبیر قبول کنند حالا هم وزارت مختاری هم سفارت در آمریکا داریم آیا این شکل کار کردن است؟ این پادشاه این گناهی است که کابینه او مرتکب شده است ما اگر نظریاتی نسبت بکابینه آقای قوام السلطنه داشتیم و این همه اصرار داشتیم که کابینه ایشان تشکیل شود و ایشان بیایند برای این بود که این قبیل قضایا کمتر اتفاق بیفتد بالاخره آقای فروغی نمیخواهند وزیر دربار باشند نباید میل دارند بروند بروند توی خانه شان بنشینند. شما میگوئید چه مناسبتی دارد. مناسبت کامل دارد برای اینکه تمام حیات مملکت را همان ترفیع نرخ لیره به چهارده تومان در خطر انداختند. از اوایل امر یعنی همان وقتی که ایشان کابینه تشکیل دادند لیره شش تومان و هشت هزار بود البته آن هم يك چیز دروغی بود شش تومان بود و همان وقت هائی که پول ما داشت محتاج الیه میشد و میبایست ترقی کند آمدند يك مرتبه قیمت لیره را بردند بالا چهارده تومان معین کردند بدبختی ما را از این بابت تماشا کنید پیش از قضایای شهر یور ماه گذشته چون مملکت محتاج ارز بود و صادرات ما با احتیاجات ارزی ما تکافؤ نمی کرد طبعاً قیمت ارزهای خارجی لیره و دلار بالا رفت پس بنابراین پول ما کسر پیدا کرد در مقابل ارز ولی بعد از این قضایا چون محتاج پول ما شدند پول ما باید ترقی بکنند یعنی باید مقابل ارزهای

خارجی ترقی بکنند. ولی متأسفانه نازل کرده است یعنی اول بطور مصنوعی بردند و رساندندش بسیزده تومان (امیر تیمور چهارده تومان) چهارده تومان بعدش هم رفتند و چانه زدند و کردندش دوازده تومان و هشت قران و کمش کردند و گفتند که آقایان موافقت کردند و هیچ دولتی هم نیامد این بدعت را لغو کند و این غلط را اصلاح کند. بنده از کسانی هستم که معتقدم که صد در صد دولت ایران و ملت ایران با متفقین موافقت و همکاری بکنند. اما ملت ایران آن هم ملت گدائی که از گرسنگی دارد میمرد نمیتواند يك قسمت از مخارج جنگ را متحمل شده و هر لیره شش هفت تومان مالیات بخارجه بدهد اگر يك قطره خون ایرانی در توی بدن ما باشد ما باین جور اویج نباید رأی بدهیم (صحیح است) هی می نشینند و می گویند احتکار هی می گویند احتکار کردند و بواسطه احتکار سطح زندگانی بالا رفته با اسکناس نازل کرده است. اصلاً اسکناس چیست آقا؟ اسکناس نماینده نقره و طلا است. نقره و طلا چیست؟ نقره و طلا نماینده قوه تولید و قوه محصول مملکت است و باید همیشه يك معادله کاملی ما بین قوه تولید و قوه اسکناس و قوه پول مردم باشد هر وقت شما این قوه و این توازن و این معادله را بهم زدید رو با فلاس و ورشکستگی میروید. در اوایل شهر یور ماه گذشته ما يك صد و ده میلیون با يك صد و پانزده میلیون اسکناس در جریان داشتیم الان سیصد میلیون داریم یعنی صد صدی هفتاد اسکناس زیادتری را اضافه کرده ایم آ با صد صدی هفتاد هم قوه تولید و قوه اتاج مملکت زیاد شده است؟ همچو چیزی شده است؟ نشده است. حالا مثل بچه گول زدن بما میگویند طلا برایتان میآوریم. طلا چه فایده دارد؟ دو نفر از رفقای ما اینجا گفتند که اگر تماماً صد درصد در مقابل اسکناسهای منتشر طلا ذخیره کنید فایده ندارد راست است متناسب با اسکناسهای منتشر اگر محصول نباشد اسکناس بی قیمت میشود شما ملاحظه می فرمائید در مقابل صد و ده میلیون اسکناس فلان قدر محصول داشتید بعد آمدید و سیصد میلیون کردید پول زیادتر شده پس بنابراین جنس گران میشود

همیشه پول را باید مقایسه کرد با قیمت محصول. قیمت محصول که گران تر شد قیمت اسکناس ارزان تر میشود این اصل قضیه است. حالا چرا اینطور شده است؟ سبب عمده اش مسئله ارز است آنوقت چطور میشود اینطور میشود که طبعاً با پول کم قیمت شما اینطور خریدهای خوب می کنند خریدهای می کنند که شما نمی توانید بکنید. نتیجه اش این است که باید گندم را بیاورید و هر تنی آنرا سیصد و چهل تومان بکنید گندمی را که خرواری سی تومان و کمتر بود سیصد تومان سیصد و چهل تومان بخريد این هارا قیمت دروغی و مصنوعی لیره برای ما درست کرده است. حالا می گویند مردم پولدار شده اند کی پولدار شده؟ يك مشت مردم گرسنه و گدار ریخته اند چند نفر هم شاید صد هزار تومان دوست هزار تومان داشته باشند آیا اینها می توانند قیمت جنس را بالا ببرند؟ این حرفهای بی معنی چیست زده میشود؟ تمام و قسمت عمده آن موضوع ارز است. حالا شما هر قدر هم اسکناس بیشتر منتشر کنید همان تناسب هم بیشتر رو با فاس میروید میگویند پنجاه میلیون برای خوار بار می خواهیم. برای وزارت خوار بار پنج میلیون، شش میلیون نهایت ده میلیون کافی است. که خرید بکنند دیگر پنجاه میلیون را برای چه میخواهند؟ پنج شش میلیون عرض کردم کافی است برای اینکه بالاخره گندم را از این دست میخرند و از آن دست می فروشند شش هفت میلیون برای این کار کافی است دیگر پانصد میلیون برای چه میخواهید؟ پانصد میلیون ریال برای چه میخواهید؟ آنچه من شنیدم تابعال پنجاه میلیون ریال هم بدون اجازه مجلس شورای ملی بخارجی ها داده اند و گفته اند آنها خیلی لازم دارند. بلی درست است آنها لازم دارند ما هم لازم داریم ما هم باید موافقت کنیم ولی ما هم باید بتوانیم زندگانی کنیم باید اجازه بدهند گندمهای خودمان را از شاه رود به تهران بیاورند ما هم باید کاری کنیم که گندمهایی که داریم بیاورند اینجا و بجاهائی که مردم از گرسنگی نمیرند. ما هم باید کاری کنیم که گندم مارادر گرگان (گندمی که لازم داریم) بادر قم و عراق بادر جاهای دیگر خرج نکنند توقیف نکنند

چرا این هارا تعقیب نمی کنند؟ دولت بعقیده بنده اول باید برود و این قضایا را بخارجی ها حل بکند ماها بعقیده من برای حل این قضایا مجلس شورای ملی همه صد درصد پشتی بان شما است. پشتی بان شما خواهد بود (صحیح است) از صمیم قلب باشما موافقت می کنند و پشتی بان شما خواهند بود بشرط اینکه بروید حل کنید (من یکی از اشخاصی هستم که طرفدار آقای قوام السلطنه هستم) من هم یکی از پشتی بان های ایشان هستم اگر این قضایا را حل کنند. شما می گوئید طلا میآورند و طلا میدهند آنها کجا؟ در افریقای جنوبی ما طلا میخواهیم چه بکنیم؟ طلا برای مردم چه میشود روز بروز بدتر میشود. و قحطی و گرسنگی ملت ایران را تهدید میکند بالاتر از سیاهی که رنگی نیست بدتر از این چه میشود؟ بدتر از اینکه مردم تهران از گرسنگی بمیرند. مردم ایران از گرسنگی بمیرند چه میشود؟ بگذارید ببینند در مجلس شورای ملی راهم به بندند یا طور دیگری عمل کنند مردم دارند میمیرند زهی بدبختی. (صحیح است) در هر صورت این لایحه لایحه نشر اسکناس است لایحه اعتبار برای خوار بار هم بعد خواهد آمد پس بنابراین در این جا تمام نمایندگان مجلسی کاملاً می خواهند در این زمینه حرف بزنند این لایحه پنجاه میلیون هم ربع همان لایحه دوست میلیونی است فرقی نمی کند. يك پول از این اسکناسها را بدون اجازه مجلس بخارجی ها بدهید. الان پنج میلیون تومان داده اند. داده اند و گفته اند.

**نخست وزیر** - چنین چیزی نیست آقا.

**دشتمی** - نداده اند؟

**نخست وزیر** - خیر.

**دشتمی** - بسیار خوب نداده اند خیلی متشکریم چون اینجا گفته شد داده اند...

**هؤید احمدی** - بدون اجازه مجلس و بدون موافقت نظر

بانك نمیتوانند بدهند. نشر نشده

**دشتمی** - حالا که میفرمایند نداده اند که نداده اند.

**وزیر دارائی** - نه خیر نداده اند آقا.

**دشتمی** - من شنیده ام دولت از اعتبار خود علی الحساب پنج میلیون تومان با آنها داده است که بعد از تصویب این و اجازه نشر و پنجاه میلیون اسکناس آن پنج میلیون خود را دولت پس میگیرد.

**نخست وزیر** - نه خیر نداده ایم.

**وزیر دارائی** - مطمئن باشید که چیزی داده نشده.

**دشتمی** - بسیار خوب میفرمائید نداده اند. بسیار خوب آقای قوام السلطنه شما این را بدانید اینجا مسئله اینکه ما با شما اختلاف سلیقه داریم یا مخالفت داریم اینها هیچکدام نیست. مسئله این است که از خرج دولت ایران يك قیمت حوائج خارجی ها انجام میشود. و همینطور که عرض کردم ما صد در صد باید با آنها همکاری کنیم ولی آنها هم باید با ما همکاری کنند ولی آقا بالاخره ما که بنده نیستیم (صحیح است) ما بیست و پنج قرن تاریخ بزرگی و استقلال داریم (صحیح است) ما نمیتوانیم اینطور زندگانی کنیم. (صحیح است) ما بنده نیستیم (صحیح است) ما مثل سودان و این ممالک مستعمراتی نیستیم. ما بامتفقین باید مثل دو موجود مساوی تفاهم داشته باشیم ما زنده هستیم آقا (صحیح است) اگر میتوانید باین شکل کار کنید باشید ما هم پشتی بان شما هستیم ما هم با شما کار میکنیم. نمیتوانید بروید ما هم پشت سر شما میرویم. جهنم (صحیح است)

**نخست وزیر (آقای احمد قوام)** - گمان میکنم مذاکرات موافق و مخالف بقدر کفایت شده است (صحیح است) مختصری که باید عرض کنم بنده این است که از بدو تشکیل این دولت. دولت در مقابل يك کار انجام شده واقع بود و يك کاری هم مورد عمل واقع شده بود. مسئله اول آن کار انجام شده مسئله پیمان بود البته فراموش نفرمودید که آن پیمان از همین مجلس گذشته است. از خود همین مجلس گذشته است. بنده نبودم و بنده هم تصویب نکردم این پیمان را. این پیمان از همین مجلس گذشته است. اما مسئله که کاری که انجام شده و باطلاع مجلس هم رسیده و در موقع عمل گذاشته شده است لایحه اسکناس است...

**وزیر دارائی** - قرآزاد مالی.

**نخست وزیر** - بلی قرارداد مالی. از اوائل...

**وزیر پیشه و هنر** - خرداد ماه.

**نخست وزیر** - خرداد ماه. (قبل از تشکیل دولت فعلی) از اوائل خرداد ماه تا حالا پنج ماه است که میگذرد میگویند باطلاع مجلس شورای ملی رسیده است. من نمیگویم در مجلس علنی رأی داده شده است بآن ولی در مجلس خصوصی دولت وقت آمده است و آورده است و مذاکره کرده است و خوب با بد اعتراضاتی هم شده است و بالاخره موافقت حاصل شده است...

**چند نفر از نمایندگان** - خیر. خیر.

**نخست وزیر** - خیلی خوب میفرمائید موافقت حاصل نشده است. (عده از نمایندگان - ابداً) در صورتیکه موافقت حاصل نشده بود پس جا داشت وقتی که دولت این مسئله را مورد عمل میکشاشت اعتراض و استیضاح میکردند و از دولت جلو گیری میکردند

**دشتمی** - محاکمه میکنیم پدرشان را در میآوریم.

**نخست وزیر** - بسیار خوب من که مناقشه با کسی ندارم.

**چند نفر از نمایندگان** - اصلاً اجازه ندادند منتشر بشود

**نخست وزیر** - بهر حال باطلاع مجلس رسید و...

**امیر تیمور** - تقصیر تمام از مال است آقا. از خودمان است

آقای قوام السلطنه. مجلس باید سؤال می کرد استیضاح می کرد

**نخست وزیر** - بلی. بموقع عمل هم گذاشته شده است

مجلس این را دانسته است هیچ اعتراضی هم تکرار شده است

**فرمانفرمائیان** - صحیح است آقا (صحیح است)

**نخست وزیر** - در مقابل این عملی که واقع شده است

دولت چه میتواندست بکند؟ خود آقایان نمایندگان محترم

و اعضاء مجلس هم میدانند که این دولت هم همین عمل را کرد

و هیچ مورد استیضاح و سؤال و اعتراض هم نشد اگر میبایست

اعتراض می کردند چندین نوبت برای مجلس پیش آمد که

بایستی اعتراض بکنند و تکرارند و این را يك عمل انجام شده

فرض کردند حالا اگر در این باب باید گفتگو کرد آن يك



موقع مخصوصی دارد و وقتی آن قانون آمد و بعرض مجلس علنی رسید البته آقایان نمایندگان در آن موقع میتوانند اظهارات و عقاید خودشان را هر طور که بخواهند بفرمایند (صحیح است). يك موضوعی راهم آقای دشتی راجع با آقای فروغی گفتند من که آنوقت داخل در کار نبودم و در خارج بودم ولی می شنیدم که چندین نوبت آقای فروغی استعفا کردند و آقایان و کلاء مجلس رفتند و ایشان را آوردند بعد از تصویب پیمان هم بود هیچ اعتراضی نبود بایشان و نشد که شما چون این پیمان را منعقد کردید ما بشما اعتماد نداریم

**دشتی** - ارز را عرض کردم

**امیر تیمور** - راجع بارز بود استیضاح هم شد.

**نخست وزیر** - آقای فروغی بود که این پیمان را بتصویب مجلس رساند

**دشتی** - پیمان صحبتش نیست ارز را عرض کردم

**طباطبائی** - صحبت لیره است. در پیمان حرفی نیست **نخست وزیر** - شما گفتید که چرا آقای فروغی را فرستادید بواشنگتن و اعتراض کردید

**دشتی** - برای اینکه قیمت لیره را سیزده تومان کرد چهارده تومان کرد

**نخست وزیر** - قیمت لیره را سیزده تومان چهارده تومان کرد و هیچ اعتراضی هم بایشان نکردید.

**جمعی از نمایندگان** - چرا استیضاح کردیم

**امیر تیمور** - استیضاح کردم بنده استیضاح کردم روی استیضاح بنده کاملاً رفت

**نخست وزیر** - بنده تصور نمیکنم بجهت اینکه بنده نبودم ولی شنیدم همانوقت که ایشان مکرراً استعفا کردند و رفتند آقایان و کلاو کلیه نمایندگان مجلس رفتند و بایشان اصرار کردند بعدی اصرار کردند که ایشان فرار کردند **عده از نمایندگان** - همه رفتند. بعضی ها رفتند.

**نخست وزیر** - بعد هم بنده هیچ نشنیدم که نسبت با آقای فروغی و اعمال آقای فروغی اعتراضی شده باشد در مجلس. وقتی که مورد اعتراض نبودند البته بنده هم مورد ایراد نیستم که این مأموریت را بایشان دادم و من ایشان را شخص مجرب

بکنم فقط برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم مثلاً امریکائی ها راه از اهواز بخرمشهر را دارند میسازند و مشغول هستند ۱۲۰ کیلومتر راه میسازند که مدل و نمونه راهسازی است که تا کنون همچو راهی در ایران ساخته نشده است. انگلیسها از اهواز بانیدمشک می سازند ۱۴۰ کیلومتر تقریباً بزانگلیسها راه آهن اهواز و خرمشهر را ساخته اند و در حدود سه ماه است که تمام شده است ۱۲۴ کیلومتر. امریکائی ها کارخانه سوار کردن اتومبیل در اندیمشک ساخته اند که روزی ۱۷۰ کامیون و اتومبیل از این کارخانه بیرون داده میشود (نراقی - بماچه برای ما چه فایده دارد جز گرد و خاکش) نه. اسفالت است اشکالی ندارد تشریف میبرید می بینید (خنده نمایندگان) یکی هم راه قزوین زنجان - قزوین نمدان. نمدان گرمناشاه همه اینها دارد ساخته میشود دیگر اینکه يك بندری هم آمریکائی ها می سازند که پنج کشتی ده هزار تنی در این بندر لنگر می اندازد و این اولین بندر شرق نزدیک است که اینها همه برای دولت می ماند. بنده مدافعه نمی کنم ولی مقتضی دانستم که تذکر بدهم که این پولهای که گرفته میشود در این مملکت خرج میشود و يك چیزهایی هم ساخته میشود که برای این مملکت مصرف ندارد و می ماند البته راجع بمناسبات خارجی و اینها آن هم البته وقتی لایحه دیگری بمجلس آمد و مطرح شد مورد مذاکره واقع خواهد شد. (صحیح است)

**جمعی از نمایندگان** - بفرمائید. بفرمائید

**فرمانفرمائیان** - عرض این بود بعضی چیزها هست که

وقتی طولانی میشود و مرور ایام ازش میگردد کم کم عادت میشود و انسان متوجه نمیشود بآن وضعیت حقیقی به تمام معنائی که وجود دارد پی ببرد و چون عادت میکند منصرف میشود از آن حقایق و تصور نمیکنند از اینکه يك حقایقی هم وجود دارد و بایستی بآنها هم توجه بکنند مثلاً يك قضیه که ما امروز بآن مبتلا هستیم که در نتیجه این حوادث و پیش آمدها برای ما ایجاد شده است منجمله یکی همین وضعیتی است که الان ما در مملکت خودمان داریم و البته در این مجلس ما نباید هیچ نوع و هیچگونه برده پوشی کنیم (صحیح است) و بایستی حقایق را پوست کنده و بدون اینکه نظری و ملاحظه داشته باشیم بگوئیم (صحیح است) و از نقطه نظر نمایندگی مکلف هستیم که عرض کنیم یعنی مطالبی هست که ممکن است دولت ما وزیر امور خارجه ما یا وزرای دیگر ما شاید مقتضی ندانند در مجلس اظهار بدارند آنها ذینفع هستند در این رویه و این قضایا ولی برای ماها هیچیک از این ملاحظات نیست و باید بگوئیم آنچه که ماها میفهمیم آنچه که استنباط میکنیم آنچه که اطلاع داریم بنده شخصاً تصور میکنم هیچگونه رادع و مانعی نباشد که گفته شود (صحیح است) و هیچگونه ضرری برای مملکت ندارد بلکه بخیر و صلاح کشور است که در این جا گفته شود (صحیح است) و آن این است که آقا باید متوجه بود که امروز مملکت ما يك مملکتی است که با کمال دوستی با کمال

بکنم فقط برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم مثلاً امریکائی ها راه از اهواز بخرمشهر را دارند میسازند و مشغول هستند ۱۲۰ کیلومتر راه میسازند که مدل و نمونه راهسازی است که تا کنون همچو راهی در ایران ساخته نشده است. انگلیسها از اهواز بانیدمشک می سازند ۱۴۰ کیلومتر تقریباً بزانگلیسها راه آهن اهواز و خرمشهر را ساخته اند و در حدود سه ماه است که تمام شده است ۱۲۴ کیلومتر. امریکائی ها کارخانه سوار کردن اتومبیل در اندیمشک ساخته اند که روزی ۱۷۰ کامیون و اتومبیل از این کارخانه بیرون داده میشود (نراقی - بماچه برای ما چه فایده دارد جز گرد و خاکش) نه. اسفالت است اشکالی ندارد تشریف میبرید می بینید (خنده نمایندگان) یکی هم راه قزوین زنجان - قزوین نمدان. نمدان گرمناشاه همه اینها دارد ساخته میشود دیگر اینکه يك بندری هم آمریکائی ها می سازند که پنج کشتی ده هزار تنی در این بندر لنگر می اندازد و این اولین بندر شرق نزدیک است که اینها همه برای دولت می ماند. بنده مدافعه نمی کنم ولی مقتضی دانستم که تذکر بدهم که این پولهای که گرفته میشود در این مملکت خرج میشود و يك چیزهایی هم ساخته میشود که برای این مملکت مصرف ندارد و می ماند البته راجع بمناسبات خارجی و اینها آن هم البته وقتی لایحه دیگری بمجلس آمد و مطرح شد مورد مذاکره واقع خواهد شد. (صحیح است)

**جمعی از نمایندگان** - مذاکرات کافی است. (صحیح است)

**فرمانفرمائیان** - اجازه می فرمائید.

**عده از نمایندگان** - کافی است. کفایت مذاکرات.

**فرمانفرمائیان** - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم.

**رئیس** - بفرمائید.

**یکی از نمایندگان** - شما که گفتید موافقم.

**فرمانفرمائیان** - هر چند در بعضی قسمتها موجب تأثر و تأسف بسیار است ولی از يك جهت بنده خیلی خوشوقت هستم که يك چنین مجلسی تشکیل میشود و در این موضوع مهم و حیاتی مملکت باهم مباحثه میکنیم این است که در

میدانم شخص متمحنی میدانم البته در این موقع شخص مجرب و متمحن بيك مرکز مهم دنيا مأمور شود این بصلاح مملکت است. اما اینکه میفرمایند هفتاد و پنج هزار تومان خرج سفر گرفته است اینطور نیست شاید خرج رفتن و آمدن را حساب فرمودند. آن هم برای يك سفیر کبیری اگر يك مساعدت هائی از طرف دولت بخواهد که دو نفر پسرش که دارای معلوماتی هستند و دولت هم واقعا می تواند از آنها استفاده کند حقیقه اینها چیزی نیست و قابل اغماض است. بعد مسئله دیگری هم آقای اعتبار و دیگران فرمودند راجع بمسئله نان و قیمت گندم و اینها همه اینها مورد توجه دولت هست البته دولت باید ترتیبی بدهد که نسبت بقرا يك رعایتی بشود اغنیاهم در صورتیکه البته وسائل بایشان مهیا است می توانند نان گران تر بخرند تمام اینها مورد توجه دولت هست يك مسئله دیگری راهم ضمن مذاکرات بيمورد نمیدانم در اینجا صحبت کنم این حملاتی که میشود در اینجا نسبت بمحققین البته بنده نمی خواهم این جا دفاع بکنم ولی آقایان این را بدانند که راجع به پیمان بنده کسی نیستم که در موضوع پیمان بخواهم بگذارم که پیمان يك طرفی اجرا شود. (صحیح است) البته هیچ دولت شرافتمندی حاضر نمیشود و راضی نمیشود که سست بگیرد و پیمان را بگذارد يك طرفی اجرا شود.

(نمایندگان صحیح است. احسنت)

**نخست وزیر** - البته احترام مقابل از طرف دولت مرعی

میشود و پیمان هم از دو طرف باید رعایت شود (صحیح است)

برای این هست که همیشه ما گفتیم و همیشه هم با کمال شدت مقاومت کردیم و آقایان در این خصوص کمال اعتماد را داشته باشند. آقایان فرمودند که يك پولهای گرفته میشود. این پولهای که گرفته میشود تمام هم در این مملکت خرج میشود بیشترش در این مملکت خرج میشود الا آن در دو مورد راه مطابق راپرتی که دارم هفتاد هزار عمده در روز کار میکنند که اینها از همین پولهای که از دولت میگیرید استفاده میکنند. ملاحظه بفرمائید بنده عرض کردم نمی خواهم دفاع

وحدت با کمال خوشروئی صورت اشغال شده پیدا کرده است در این مملکت الآن دوست هزار نفر سید صد هزار نفر کمتر یا بیشتر بنده نمیدانم قوای خارجی مسلح وجود دارد آقا میخواهید کتمان بفرمائید میخواهید بفرمائید يك عرضهای دولت . . . . . دور از وظیفه ما است و دور از حقیقت است که ما نخواهیم بگوئیم که يك همچو وضعیت فوق العاده ای امروز ایجاد شده است در مملکت ما در صورتیکه این مقدمه را آقایان قبول بفرمایند در اثر همین وضعیت است که ما امروز در این جا جمع شده ایم و این جلسه برای همین است که ما جمع شویم و رفع این اشکالات را بکنیم فکری برای این اجتماعات زیادی که همه روزه ملاحظه میفرمائید از صبح تا پاسی از شب گذشته در دکانهای خبازی دست دراز کرده اند و از روی شانه هم بالا میروند و بیکدیگر فشار وارد میآورند تا شاید بتوانند يك قرص نانی بدست بیاورند و با بدبختی بخورند پس در حقیقت تشکیل این جلسه امروز ما جواب این وضعیت و برای این اوضاع است (صحیح است) و برای همین است که دولت هم . . . . . خیلی بنده تعجب میکنم چه اعتراضی ما بدولت داریم دولتی که چهل پنجاه روز است آمده است و در واقع يك میراثی از دولتهای گذشته برای این دولت باقی مانده بعقیده بنده امروز برای يك دولتی که عهده دار کار بشود بسی مشکل است کار کردن. اگر بنده سخنی رجوع میکردند و تکلیف میکردند من مسلماً قبول نمیکردم و این آقای قوام السلطنه هم چون استخوان از منم گذشته را دارند این است که بی پروا بی ملاحظه بی محابا آمده اند و این بار سنگین را متحمل شده اند و کار را قبول کردند آنوقت تازه ما میخواهیم اعتراض هم بکنیم این نهایت بی انصافی است آقا. اگر خبط کردند یا کردیم همه مان کردیم همه ما هاهم کردیم بنشینید تاریخ را بگذارید جلوی تان و به بینید. يك کسی گفت مردم بما چه میگویند این حرارتهایی که حالا ایجاد شده است آخر این تماشاچیها که امروز هستند شش ماه پیش هم بوده اند و می بینند بما می خندند این ها همان مخلوقند همه میدانند و دیده اند

که ما رقتیم دنبال آقای فروغی و فرار کردند و بالاخره ایشان غیبت کبری کردند و فرار کردند و ما رقتیم دنبال ایشان (جمعی از نمایندگان - خیر همه رفتند) بسیار خوب مجادله که نداریم. خوب رقتیم آقا آقای فروغی خودشان فرار کردند (هاشمی - اکثریت مجلس رفت) بسیار خوب پس این قضیه يك قضیه مجری است که امروز دولت میخواهد يك میراثی را که گذشتگان برای او گذاشته اند و در مقابل آن واقع شده است میخواهد در مقابل این کار يك خدماتی هم انجام بدهد برای ملت بنابراین امروز روز این مباحثات و مجادلات نیست بنده تعجب می کنم از اینکه امروز میایند و میگویند بما که چطور شده است. پربروز یکی از قضات محترم ما در این مجلس راجع بانهام يك وزیر می گفت ما پرونده امر را دیدیم و هشت ورقه بیشتر در آن نبود و با این اوراق و ظواهر امر هیچ خطائی باو متوجه نیست آنوقت بر عکس ما در لایحه که دولت می دهد در تقاضائی که میکند ما و رای فکر او را هم میخواهیم اینجا روشن کنیم که يك همچو چیزی هم در افکار دولت هست و ممکن هم هست که يك همچو کاری هم بکند. دولت لایحه آورده است برای وزارت خواربار که جدیداً تأسیس شده این وزارت خواربار برای اینکه پولی در دست و بالش باشد که بتواند خواربار تهیه کند: الان ملاحظه بفرمائید از اهواز تا اینجا خرواری سیصد تومان کرایه میگیرند از تبریز تا اینجا خرواری صد تومان کرایه میگیرند البته این حساب با پنج میلیونی که سابقاً تصور میکردیم هیچ درست در نمی آید امروز آقا میلیون که سهل است آنچه هست ما باید فدا کنیم برای اینکه کسی از گرسنگی نمیرد. بنده این عریضی که میکنم از نقطه نظر مخالفت نیست مقصود بنده این است که بعقیده بنده دولت امروز يك وظایفی دارد که بآنها متوجه نشده بواسطه گرفتاری و غیره و آن این است که در يك همچو موقع فوق العاده بعقیده بنده باید دولت متوسل و متشبث بشود تمام کارهای فوق العاده اقدامات فوق العاده بنده امروز اگر اظهار عقیده میکنم از روی نهایت صداقت عرض

میکنم اگر بپذیرید. عرض میکنم امروز باید تمام این مردم بسیج عمومی بشوند برای اینکه همه شان کار کنند که مردم این مملکت از گرسنگی نمیرند. بنده از روی نهایت افتخار حاضرم که بروم شاگرد نانوائی بکنم روزی پنج ساعت ده ساعت برای این که شاید هزینه تهیه نان پنج شاهی ده شاهی کمتر بشود و صرفه جوئی بشود امروز آقا کار يك وظیفه ملی است برای ما و برای شمس (صحیح است) ملاحظه بفرمائید امروز در حال بنده و آقا با این اوضاعی که شده و پیش آمده چندان تغییری پیدا نشده چه تغییری پیدا شده است؟ در همان ناز و نعمتی که دو سال قبل سه سال قبل زیست میکردید حالا هم زیست میکنید و همین طور می آئیم اینجا هفته دو روز دوساعت سه ساعت جلسه تشکیل میدهیم یک ساعت بعد از ظهر هم پامیشویم و میرویم امروز بنده معتقد هستم که بنده باید باندازه قوای جسمانی خودم روزی چهار ساعت پنج ساعت کار کنم بنده باید بروم درد کان های نانوائی به بینم دولت آن آردی را که بناوا میدهد آن نانوائی آرد را بمصرف پخت نان میرساند یا خیر آن را بر میدارد و مخفی میکند و خرواری دو بیست تومان می فروشد؟ این از وظایف آقای وزیر خواربار است که در این باب اقدام جدی بکند و این کار را بکند. اعلان خطر یعنی چه؟ اعلان خطر همین است دیگر که مردم دارند از گرسنگی می میرند و باید بهر قیمتی که هست کاری کرد که از گرسنگی نمیرند امروز توقعی که از رئیس محترم دولت دارند و از هیئت دولت هست این است که با يك نظر جدی با يك دست قوی . . . . بنده همیشه آرزو داشتم که در باب يك مسئله که بطور اراجیف در این مملکت شایع است و تقریباً يك صورت تحقیقی دارد بخودش میگیرد عریض بکنم و آن این است که میگویند با مجلس شورای ملی نمیشود حکومت کرد. در این بیست ساله دیکتاتوری بنده در دوره چهارم بودم دیدم که این همین طور خورد خورد عمل آمد يك دفعه که پیش نیامد آقا. از شدت ناراحتی نان نبود امنیت نبود همه

رفتند در زیر علم يك کسی جمع شدند و سینه زدند که آن شخص بتواند آنها را حفظ کند و از عهده این کارها بر آید تا آنطور شد که ملاحظه فرمودید. امروز آقا وظیفه شخص رئیس محترم دولت است که با نهایت اصرار با نهایت استعداد در عمل جلو گیری کند قانون را مجری بدارد قوانین جدیدی تا هر اندازه که لازم است به مجلس شورای ملی تقدیم دارد با قدرت قانونی با شدت کمال کار کند امروز که مات ایران در این تنگی و سختی هستند باید مواظب بود. يك اشخاصی بطور مبهم مشغول این حرکات هستند که میخرند از ذاق عمومی را و احتکار می کنند برای اینکه چند دینار چند شاهی نفع ببرند اینها از نصیحت و پند و اندرز حرف نمی شنوند امروز با بیانات ما ممکن نیست اینها اصلاح شوند اینها را باید دست قدرت شما بگیرد از کردن شان و در میدان توپخانه اینها را بدار بزنید و بگوئید به مجلس شورای ملی که من این کار را کردم تا به بینید که وضعیت شما هزار بار از آن دیکتاتور غیر قانونی بهتر و عالی تر خواهد بود این مسئله مسلم است که امروز مات مردم این کشور در انتظار این هستند که قدرت نمائی بشود از طرف دولت مجلس هم بمناسبت اینکه خودش را نماینده افکار مردم میدانند تعقیب میکنند مساعدت میکنند و مخالفتی هم نخواهد کرد این بود عریض بنده.

**فخست وزیر** - يك جمله را من فراموش نکردم در مذاکرات خودم بگویم و لازم بود توضیح بدهم تا بعد نگویند که من اغفال کردم مجلس را و البته اغفال کردن هم کار اشخاص با شرافت نیست و آن این است که باید این جا بطور وضوح توضیح بدهم و امروز هم در جلسه خصوصی عرض کردم که يك مذاکرانی بین دولت و متفقین در جریان است برای همین مسائلی که مورد اشکال واقع شده و خیلی هم دولت امیدوار است که این مذاکرات به نتیجه مطلوب برسد و منتهی شود. البته این يك هفته و دو هفته فرصت لازم دارد برای اینکه نتیجه گرفته شود چون آنها هم باید با دولتهای خودشان مذاکره کنند و در این فرصت يك هفته



و دو هفته البته اینها را نمیشود معطل گذاشت بنده از این وجهی که می‌خواهم از مجلس اعتبار بگیرم باید این اختیار را داشته باشم که کار آنها را در ظرف این دو هفته راه بیندازیم تا از این مذاکرات نتیجه بگیریم و تعقیب کنیم موضوع را و الا اگر ما جلو احتیاجات آنها را هم بگیریم البته از آن نتیجه دور خواهیم بود (صحیح است)

**یکی از نمایندگان** - چه قدر است؟

**نخست وزیر** - البته خیلی مختصر خواهد بود (صحیح است)

**عده از نمایندگان** - مذاکرات کافی است.

**رئیس** - آقایان در کفایت مذاکرات نظری ندارند؟ (اظهاری نشد) رأی گرفته میشود به لایحه دولت آقایانی که موافقت دارند. بعضی میگویند باید با ورقه رأی گرفت بعضی میگویند با قیام و قعود.

**عده از نمایندگان** - سابقه اش با قیام و قعود است.

**رئیس** - موافقین با لایحه دولت برخیزند (اکثر نمایندگان برخاستند) تصویب شد.

**تهرانچی** - پس پیشنهادات چه شد؟ بنده پیشنهاد کرده بودم. چرا قرائت نشد...

**مسعودی** - بنده هم پیشنهاد داشتم.

**رئیس** - آقای وزیر دارائی فرمایشی داشتید؟

**وزیر دارائی** - آقایان اگر چه خیلی خسته شده اند ولی البته موافقت خواهند فرمود با این لایحه که تقدیم میکنم در قانون بودجه ذکر شده است که دو ماه فرصت هست که بودجه های تفصیلی بتصویب کمیسیون بودجه مجلس برسد آن دو ماه چون کافی نبود در ۲۲ مرداد ماه دو ماه تمدید شد متأسفانه باز وقت کم است و مدت مقرر هم قریباً منقضی خواهد شد و ممکن است تصویب بودجه های تفصیلی در کمیسیون طول بکشد از آن طرف چون آخر ماه است و ادارات و وزارتخانهها در فشار و مضیقه هستند از این نظر لایحه تهیه شده و دو ماه دیگر تمدید خواسته شده و استدعا میکنم آقایان موافقت فرمایند (بقید يك فوریت

است) که این لایحه تصویب شود تا بتوانیم حقوق و مصارف را پرداخت کنیم (صحیح است)

**افشار** - بسیار خوب است.

**تهرانچی** - اجازه می‌فرمائید.

**رئیس** - فرمائید.

**تهرانچی** - معمول نبوده است در مجلس شورای ملی پیشنهادات خوانده نشود. چرا رأی گرفتید؟

**رئیس** - رأی داده شد دیگر و تمام شد آقایان چه می‌فرمائید؟ (صحیح است) پیشنهادات هم چندان اهمیتی نداشت لایحه خوانده میشود:

مجلس شورای ملی - پیرو لایحه تقدیمی ۱۵۹۳۰ بتاریخ ۲۱ مرداد ماه ۱۳۲۰ و با عطف به قانون مصوب در جلسه ۲۲ مرداد ماه ۱۳۲۱ راجع به تمدید مدت مقرر برای پرداخت بودجه های وزارت خانهها چون چهار ماه مهلت مذکور در قانون نامبرده قریباً منقضی و برای پرداخت حقوق و هزینه وزارتخانهها دچار اشکال خواهند شد و ممکن است تصویب بودجه های تفصیلی وزارت خانهها در کمیسیون بودجه مدتی بطول انجامد و از طرفی هم وضعیت مالی کارمندان دولت طوری نیست که بتوانند بانتظار تصویب بودجه امرار معاش نمایند. بنابر این ماده واحده زبر را پیشنهاد و تقاضای تصویب آنرا با قید یک فوریت دارد:

**ماده واحده** - چهار ماه مدت مقرر در قانون مصوب در جلسه ۲۲ مرداد ماه ۱۳۲۱ به شش ماه تبدیل میشود.

**جمعی از نمایندگان** - رأی آقا رأی.

**عده دیگر از نمایندگان** - ختم جلسه

**افشار** - چرا ختم جلسه؟ لایحه خوبی است بگذارید تصویب شود.

**طوسی** - اجازه می‌فرمائید

**رئیس** - فرمائید

**طوسی** - آنچه که بنده اطلاع دارم و میدانم بطور کلی بودجه ها در کمیسیون بودجه در دست اتمام است و تقریباً قسمت عمده اش گذشته است و بنده تصور میکنم که دو ماه

تمدید هیچ لزومی ندارد بلکه در این مورد باز هم ممکن است یک قدری کار را بتأخیر بیندازد اگر موافقت فرمائید بهتر است از این لایحه صرف نظر فرمائید بودجه ها هم دارد تصویب میشود و تصویب شده. حالا مختارید.

**وزیر دارائی** - چون پرداخت حقوق وزارت خانهها مجوزی ندارد و قانون منع کرده است اگر تصویب فرمائید نمیشود پرداخت کرد.

**افشار** - صحیح است آقای مردم در زحمت هستند باید تصویب شود.

**رئیس** - آقای انوار

**انوار** - بنده مخالفم علت مخالفتم هم این است که ما در کمیسیون بودجه تصمیماتی گرفته ایم برای کم کردن بعضی مخارج غیر ضروری و این تصمیم هم در کمیسیون تأیید شد و يك مخارجی را هم در نظر گرفتیم که کسر شود هر وزیر هم که آمده است در کمیسیون بودجه و با او صحبت کردیم میگوید آقا این که شش ماهش گذشته است حالا چه فایده دارد در واقع این تأخیر افتادن آن نظریات اصلاحی را که کمیسیون دارد بکلی بهدر میدهد در واقع اگر بودجهها را ملاحظه فرمائید. آقایان وزراء مسامحه میکنند نمی‌آیند در کمیسیون بودجه. همین آقای وزیر معارف اول کسی بوده است که بودجه معارف گذشته است برای يك ماده يك ماه است دو ماه است گذاشته اند و نمی‌آیند وزیر دادگستری همین جوڑ هی شما هم می‌آیند و اجازه بهشان میدهید تأخیر تأخیر و اگر بخواهید بودجه اینطور بگذرد بدون اینکبه نظر کمیسیون در اصلاحات تأمین شده باشد این نظریات و اصلاحات از بین خواهد رفت این است که بنده جداً مخالفت میکنم و الان هم همه اعضای کمیسیون حاضرند عرض میکنم يك هفته وزراء پی در پی تشریف بیاورند و حاضر بشوند ما هم کاملاً حاضریم همیشه هم حاضر بوده ایم بیایند در کمیسیون بودجه و تصویب شود تمدید دیگر لازم نیست.

**رئیس** - آقای ملک مدنی.

**ملک مدنی** - عرض میکنم بودجهها تقریباً نصف

بیشترش را کمیسیون بودجه گذرانده و همیشه هم کمیسیون در مجلس حاضر بوده و کار کرده است و آن نظری هم که مجلس شورای ملی داشت که آن مخارج زائد حذف شود آن هم مستلزم صرف وقت است و همه آقایان بخاطر دارند که از ساعت هشت و نیم صبح می‌آئیم تا يك ساعت و نیم بعد از ظهر غالب روزها اینجا در کمیسیون هستیم و خاطر آقایان مستحضر است که در این هفته اخیر هم سه جلسه ما در این موضوع لایحه اسکناس متوالیاً صرف وقت کردیم و تمام آقایان هم حاضر بودند يك جلسه خود آقای نخست وزیر حاضر بودند چند جلسه آقای وزیر دارائی بودند و مطلب فوق العاده مهم بود و از نظر اهمیت آن لازم بود صرف وقت و مطالعه بشود البته در مورد این لایحه فعلی هم که از طرف وزارت دارائی داده شده بنده معتقدم که تا يك هفته دیگر از تصویب کمیسیون میگذشت ولی خوب چون يك اشخاصی هستند در ولایات که باید در بیست و هشتم یا بیست و نهم حقوق بگیرند خالاً هم مدت قانونی منقضی شده است بنظر بنده خوب است آقایان موافقت فرمایند که در عوض دو ماه یکماه اینجا تمدید بشود و ما در ظرف این یکماه متمم بودجه هائی که باقی مانده است میگذرانیم و ضمناً نظر آقای انوار هم تأمین میشود وزراء هم حاضر شده و توضیح میدهند. دوسه موضوع اساسی بود که مورد نظر مجلس و کمیسیون بود یکی قضیه انومبیلها بود یکی موضوع مدیر کل های زیادی بود که همه پیش بینی شده است و بنده خیال میکنم برای اینکسه وقفه در کار پرداخت پیدا نشود خوبست بهمین موافقت کنند یعنی با یکماه تمدید (صحیح است)

**وزیر دارائی** - بنده با تمدید یکماه موافق هستم بشرط اینکه آقایان در کمیسیون حاضر بشوند و بودجهها را زودتر تصویب فرمایند.

**امیر تیمور** - اجازه میفرمائید.

**جمعی از نمایندگان** - کافی است مذاکرات..

**امیر تیمور** - بنده مخالفم. اجازه میفرمائید.

رئیس - بفرمائید .

امیر تیمور - عرض بنده این است که در یکماه آقای ملک مدنی بودجه‌ها نمیرسد هر روز هم که شما جلسه بکنید باز هم در یکماه نمیگذرد مگر اینکه مطالعه نشده بگذرانید.

وزیر دارائی - آقای ملک مدنی اینطور میفرمایند رئیس - بگو بیایند تو . بگوئید بیایند تو . عده کافی نیست یعنی چه ؟

نقابت - اجازه میفرمائید

رئیس - قبل از سر کار هم چند نفر هستند که اجازه خواسته اند که صحبت کنند .

امیر تیمور - اجازه بفرمائید چون طلبشان مهم است رئیس - آقایان تهرانی و اعتبار هم هستند . رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات . . . .

امیر تیمور - عده کافی نیست پس اجازه بفرمائید حرفشان را بزنند

( در این موقع عده برای رأی کافی شد )

رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که موافقت برخیزند ( اکثر برخاستند ) تصویب شد . رأی گرفته میشود فوریت . . . .

یکی از نمایندگان - اول یا دوم

رئیس - یک فوریت است موافقین با فوریت برخیزند ( اکثر برخاستند ) تصویب شد . ماده واحده مطرح است یکی از نمایندگان - مجدداً خوانده شود

اقشار - لازم نیست آقا

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - موافقم

ملک مدنی - رأی بگیرد آقا . مخالفی نیست .

انوار - بلی رأی بگیرد آقا همه موافقت

رئیس - آقای نقابت

نقابت - در باب لایحه که مطرح است

یکی از نمایندگان - مذاکرات کافی شد .

نقابت - بلی مذاکرات کافی شد . در باب فوریت لایحه

که مطرح است همه صحبت کردند بعد هم عده برای مذاکره کافی بود و اجازه نفرمودند حالا هم اصل لایحه مطرح است فقط خواستم عرض کنم این لایحه مالی نیست . یک تمیدی است یک تمید مدتی است برای اینکه بودجه‌ها تصویب شود در کمیسیون و ابلاغ شود بنابراین دیگر رأی باورقه لازم ندارد . ( صحیح است )

رئیس - موافقین با ماده واحده پیشنهادی . . . .

نخست وزیر - دو ماه

طوسی - بلی دو ماه

عده از نمایندگان - دو ماه

رئیس - دو ماه . موافقین با ماده واحده پیشنهادی برخیزند ( اغلب برخاستند ) تصویب شد .

وزیر خواربار ( آقای فرخ ) - با توجهی که آقایان نمایندگان محترم نسبت بخواربار دارند استدعا میکنم لایحه تشکیل وزارت خواربار را مطرح بفرمایند زیرا بواسطه عدم تصویب آن کارهای ما دچار وقفه و تأخیر شده است گزارش آن هم از طرف کمیسیون بودجه داده شده است و با تصویب آن یک تسریعی در کار ما فراهم خواهد شد .

عده از نمایندگان - بماند برای جلسه بعد .

رئیس - آقای صفوی

صفوی - مذاکرانی که امروز از صبح تا بحال در اطراف موضوع خواربار شده اهمیت آنرا بر همه آقایان ثابت نمود ( صحیح است ) مخصوصاً که این مذاکرات در مجلس و با حضور هیئت دولت و آقای نخست وزیر بعمل آمد برای تهیه خواربار و رفع نگرانی مردم در تهران و شهرستانها ( صحیح است ) و لایحه انتشار پانصد میلیون ریال اسکناس هم برای همین موضوع بوده است و الان مامی بینیم که در خارج مردم فوق العاده دچار زحمت هستند و همینطور که اکثر آقایان تذکر دادند در تهران و سایر شهرستانها اکثر مردم شب سر بی‌شام زمین می‌گذارند و نان خالی هم که قوت لایموت مردم است بدستشان نمی‌آید . ( صحیح است ) بنده در جلسه گذشته سئوالی از آقای وزیر خواربار کرده بودم آقای وزیر خواربار تشریف نداشتند .

جلسه بشود .

رئیس - عده از آقایان هم رفته‌اند بنابراین اگر اجازه بفرمائید فردا سه ساعت و نیم قبل از ظهر جلسه بشود .

طوسی - اجازه میفرمائید : آقایان ملاحظه بفرمائید امروز از صبح تا حالا جلسه بوده است . صبح و عصر باید صورت جلسه اش حاضر بشود یا نه ؟ ( صحیح است ) این صورت کار را هم باید در نظر گرفت ( صحیح است ) این صورت مجلس امروز خواه ناخواه باید تهیه شود ( اعتبار - صورت مجلس می‌خواهد چه کند آقا ؟ )

طباطبائی - فردا صبح جلسه بشود .

طوسی - اجازه بفرمائید با تمام اهمیتی که این لایحه دارد و ما همه معتقدیم آن خوبست آقایان برای همین مطلبی که عرض کردم موافقت بفرمایند جلسه پس فردا صبح ( پنجشنبه ) تشکیل بشود ( صحیح است )

۵- موقع و دستور جلسه آتی - ختم جلسه |

رئیس - بسیار خوب . جلسه آتی پس فردا روز پنجشنبه ۳۰ مهر ماه سه ساعت و نیم قبل از ظهر دستور هم لایحه تشکیل وزارت خواربار ( صحیح است ) ( مجلس هفت ساعت و ربع بعد از ظهر ختم شد )

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

بنده سئوال کرده بودم که اقدامی که برای رفع این زحمت از مردم کرده اند بفرمائید . امروز آقای وزیر خواربار مرده دادند و فرمودند که اقداماتی شده است و آقای نخست وزیر در این دوروزه اقداماتی فرموده اند حالا خواستم اجازه بفرمایند آقایان این مطالبی که میگوئیم و مورد علاقه همه مردم و همکاران محترم است از طرف آقای وزیر خواربار یک توضیحاتی در مجلس داده شود . عرض کردم آقای وزیر خواربار در خارج مجلس یک توضیحات سر بسته برای بنده فرمودند و فرمودند اقداماتی شده است و فرمودند تا اندازه رفع نگرانی عمومی رامیکنند و اسباب اطمینان است بنده حالا که در مجلس تشریف دارند خواهش میکنم که اقداماتی که کرده اند برای رفع نگرانی مردم از این قضیه که برای همه موضوع حیاتی و قابل توجهی است مخصوصاً برای طبقات پائین که یک نان خالی با نان برسد که بتوانند بخورند اقداماتشان را بفرمایند در مجلس تا رفع نگرانی واضطراب عمومی بشود و ما هم بفهمیم .

جمعی از نمایندگان - ختم جلسه .

رئیس - حالا که عده کافی نیست برای مذاکره هم کافی نیست این لایحه هم که فرمودید مهم است و باید زود تر از مجلس بگذرد . .

وزیر خواربار - بلی اگر موافقت بفرمائید فردا



## قانون

اجازه انتشار پانصد میلیون ریال اسکناس

**ماده واحده** - بانک ملی مجاز است علاوه بر میزان اسکناسی که اجازه انتشار آن تا این تاریخ بموجب قانون داده شده است مبلغ پانصد میلیون ریال اسکناس بچریان بگذارد .  
اسکناسهای مزبور از حیث پشتوانه مشمول قانون ۲۱ اسفند ۱۳۱۸ خواهد بود و مقدار ۶۵/۲۳۶۱۲۴ اونس طلائی که دولت اخیراً از محل موجودی ارز خریداری نموده نیز ضمیمه پشتوانه فلزی اسکناس خواهد بود .  
این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه بیست و هشتم مهر ماه یکهزار و سیصد و بیست و یک بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

## قانون

تمدید مدت مقرر برای پرداخت بودجه های ۱۳۲۱ طبق صورت پیشنهادی دولت

**ماده واحده** - چهار ماه مدت مقرر در قانون مصوب در جلسه ۲۲ مرداد ماه ۱۳۲۱ به شش ماه تبدیل میشود .  
این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه بیست و هشتم مهر ماه یکهزار و سیصد و بیست و یک بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری